



## سربریده و جسد گلوله باران شده؛

### روایت قتل یک پسر و پدر در زندان طالبان



منابع محلی در غور از کشته شدن یک بزرگ قومی و پسرش توسط نیروهای استخبارات طالبان خبر می‌دهند. این پدر و پسر حدود سه ماه پیش از سوی افراد طالبان بازداشت شده بودند، اما اجساد پوسیده شده آنان دو روز پیش در شهر فیروزکوه، مرکز ولایت غور، پیدا شده است. بسته‌گان این بزرگ قومی می‌گویند که طالبان در سه ماه گذشته از بازداشت این دو تن ابراز بی‌خبری می‌کردند، اما اکنون خانواده او را مطلع ساخته‌اند که...

۵

## مساله مقاومت دوم چيست؟



۶

## ممنوعیت سفر خارجی طالبان؛

# آیا فیصله شورای امنیت سازمان ملل نقض شده است؟

ذبیح‌الله مجاهد، سخنگوی این گروه، با نشر توییتی هدف سفر ملا محمد یعقوب را «تقویت روابط بین دو کشور و رفع مشکلات افغان‌های مقیم در آن کشور» عنوان کرده است. اما شماری از آگاهان امور، سفر او را در راستای چانه‌زنی در مورد ایجاد حکومت همه‌شمول و نزدیکی طالبان با امارات متحده عربی عنوان می‌کنند.



۳

## جنگ جویان طالب سنگ‌های تمام مقبره‌های «پارک شهدای» جوزجان را تخریب کردند



فرماندهان جهادی را نیز در قندهار تخریب کرده‌اند. این در حالی است که طالبان پیش از این نیز دو بار سنگ مقبره احمدشاه مسعود، از رهبران جهادی پیشین را شکستاده و مقبره جنرال رازق اچکزی، فرمانده امنیه پیشین کندهار را پارکینگ موتورها ساخته بودند. طالبان همچنان مقبره ملا نقیب‌الله، یکی از

۸صبح، جوزجان: منابع محلی در جوزجان می‌گویند که جنگ‌جویان طالب در پی انتقام‌جویی، سنگ‌های تمام مقبره‌های «پارک شهدای» این ولایت را که به پاس ارج‌گزاری به قربانیان حزب جنبش ملی، توسط مارشال عبدالرشید دوستم ساخته شده بود، تخریب کرده‌اند.

منابع محلی روز دوشنبه، ۱۴ قوس، به روزنامه ۸صبح می‌گویند که جنگ‌جویان طالبان از چند روز به این‌سو، دست به انجام این کار زده‌اند.

به گفته منابع، طالبان پشتون‌تبار به دلیل انتقام‌جویی از قربانیان نیروهای حزب جنبش ملی که اکثراً مربوط اقوام اوزبیک‌تبار و ترکمن‌تبار هستند، تمام مقبره‌ها را تخریب

## وضعیت رفیق‌پار آراگاه اپرویحان الپیرونی در غزنی



۵

## ادامه کشتار غیرنظامیان در پنجشیر؛ یک آموزگار زیر شکنجه طالبان جان باخت



۸صبح، پنجشیر: منابع محلی در پنجشیر می‌گویند که یک آموزگار در این ولایت زیر شکنجه طالبان جان باخته است.

منابع معتبر در صحبت با روزنامه ۸صبح می‌گویند که این فرد شمس‌الله نام داشت و چند ماه پیش از سوی طالبان بازداشت شده بود.

به گفته منابع، طالبان روز یکشنبه، ۱۳ قوس، جسد شمس‌الله را در کابل به خانواده‌اش تسلیم داده‌اند.

منابع می‌افزایند که فرد کشته شده در لیسه ولسوالی رخه ولایت پنجشیر آموزگار بود. طالبان این آموزگار را به اتهام همکاری با جبهه مقاومت ملی بازداشت کرده و سپس کشته‌اند؛ اما منابع می‌گویند که او با هیچ گروهی ارتباط نداشت.

طالبان از زمان به قدرت رسیدن در افغانستان تا کنون، صدها باشند پنجشیر را بازداشت شکنجه کرده و در برخی از موارد کشته‌اند.

## درخواست عفو بین‌الملل از طالبان برای رهایی فوری الابه دلاوری



الابه دلاوری چند ماه پیش با نشر ویدیویی در شبکه‌های اجتماعی مدعی شد که سعید خوستی، سخنگوی پیشین وزارت داخله طالبان، او را به اجبار به عقد خود درآورده است.

در آن نوار ویدیویی او توضیح داده بود که از سوی سعید خوستی به شدت شکنجه، لت‌وکوب و اذیت‌آزار جنسی شده است. سعید خوستی اما این ادعاها را رد کرد.

خانواده دلاوری اخیراً گفته است که الابه پس از آن‌که از جنگ سعید خوستی به پاکستان فرار کرد، دوباره به کابل برگردانده شده است و اکنون در بازداشت طالبان به سر می‌برد.

ادامه بازداشت خودسرانه و تجربه قبلی از خشونت جنسی، ضرب و شتم، شکنجه و سایر بدرفتاری‌ها، نیاز به درمان داشته باشد. این سازمان تأکید کرده کسانی که در نقض حقوق بشری خانم دلاوری دست دارند، از جمله هر کسی که در بازگشت اجباری او از پاکستان به افغانستان نقش داشته است، باید پاسخگو باشد.

۸صبح، کابل: سازمان عفو بین‌الملل نگرانی «عمیق» خود را نسبت به وضعیت الابه دلاوری ابراز کرده و خواستار رهایی فوری و بدون قیدوشرط او شده است.

این سازمان روز دوشنبه، ۱۴ قوس، به نقل از خانواده خانم دلاوری گفته است که او ماه گذشته در اسلام‌آباد ناپدید شد و در حال حاضر در ریاست امنیت ملی طالبان نگهداری می‌شود.

عفو بین‌الملل نسبت به بازگشت اجباری خانم دلاوری اظهار نگرانی کرده و خواهان دسترسی فوری او به کمک‌های پزشکی شده است. به گفته این سازمان، ممکن است او در

## یوناما:

## افغانستان منبع ۸۵ درصد تریاک جهان است



۲



## هند میزبان نشستی در مورد وضعیت امنیتی افغانستان خواهد بود

هند برای نخستین بار میزبان مقامات ارشد امنیتی قزاقستان، قرقیزستان، تاجیکستان و اوزبیکستان برای نشستی در مورد وضعیت امنیتی در حال تحول افغانستان و راه‌های مقابله با تهدید تروریسم از این کشور خواهد بود.

سایت خبری ده‌هنگو گزارش داده است که هند و کشورهای آسیای مرکزی امروز (سه‌شنبه، ۶ دسامبر) نشستی را در مورد تروریسم ناشی از افغانستان و پیامدهای آن برای امنیت منطقه برگزار خواهند کرد.

قرار است در این نشست اجیت دوال، مشاور امنیت ملی هند، به نماینده‌گی از این کشور شرکت کند.

براساس گزارش، کشورهای آسیای میانه از حمایت پاکستان از تروریسم فرامرزی و ارتباط این کشور با گروه‌های تروریستی آگاه استند؛ اما به دلیل ملاحظات خاصی، به‌گونه‌ای از کشور و گروهی نام نمی‌برند.

یکی از موضوعات دیگری که قرار است در این نشست بررسی شود، راه‌های تقویت ارتباط هند با منطقه آسیای مرکزی است.

این نشست قرار است همزمان با سی‌ساله‌گی برقراری روابط دیپلماتیک میان هند و کشورهای آسیای مرکزی برگزار شود.



## افراد مسلح در جوزجان با ضرب‌وشتم دو دختر جوان را بردند

**۸ صبح، جوزجان:** افراد مسلح دو دختر جوان را از مربوطات ناحیه سوم شهر شبرغان پس از ضرب‌وشتم، بازداشت کرده و به جای نامعلومی برده‌اند.

منابع محلی به ۸ صبح می‌گویند که بعد از ظهر دوشنبه، ۱۴ قوس، سه فرد مسلح سوار بر موتر فلدر به رنگ سفید دو دختر جوان را در مربوطات ناحیه سوم شهر شبرغان بازداشت کردند.

براساس معلومات منابع، این افراد که مربوط به گروه طالبان هستند، این دختران را مورد بازجویی قرار داده و گوشی‌های آنان را ضبط کردند.

براساس گفته‌های این منابع، پس از مدتی افراد مسلح به روی این دو دختر سلاح کشیدند و با ضرب‌وشتم آنان را با خود بردند.

منابع ادعا می‌کنند که این نیروهای طالبان از بسته‌گان مقام‌های این گروه‌اند و بیشتر با قوماندان‌های مولوی عبدالسلام حنفی، معاون رییس‌الوزرای این گروه، در شهر گشت‌وگذار می‌کنند.

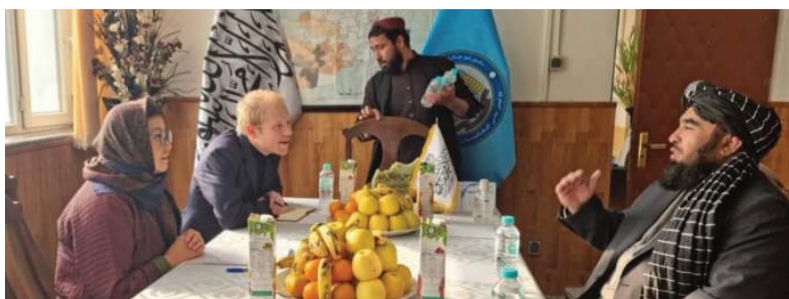
تاکنون مشخص نیست که این دو دختر جوان به کجا برده شده و به چه اتهامی بازداشت شده و مورد خشونت قرار گرفته‌اند.

پیش از این گزارش‌هایی نیز نشر شده است که طالبان با توسل به زور دختران جوان را به عقد نکاح خود درمی‌آورند.



## یوناما:

## افغانستان منبع ۸۵ درصد تریاک جهان است



در خبرنامه آمده است: «آن‌ها در مورد ممنوعیت مواد مخدر، تلاش‌ها در مورد تداوی معتادان، از بین بردن تریاک، آگاهی در مورد اضرار مواد مخدر و معیشت بدیل بحث و گفت‌وگو کردند.»

این در حالی است که به تاریخ ۱۴ حمل سال روان، هیت‌الله اخوندزاده، رهبر طالبان، فرمانی صادر کرد که براساس آن کشت کوکنار به‌گونه «مطلق» ممنوع اعلام شده است.

**۸ صبح، کابل:** هیأت معاونت سازمان ملل متحد در افغانستان یا یوناما گفته است که افغانستان منبع ۸۵ درصد تریاک در جهان است.

یوناما روز دوشنبه، ۱۴ قوس، با نشر خبرنامه‌ای از دیدار روزا اوتنباووا، رییس هیأت معاونت سازمان ملل متحد در افغانستان با حاجی عبدالحق اخوند، معین مبارزه با مواد مخدر وزارت امور داخله طالبان، خبر داده است.

## طالبان یک امام مسجد در ارتش حکومت پیشین را در کندز کشتند

ارتش در ولایت کندز را حوالی ساعت ۳:۰۰ شنبه‌شب، ۱۲ قوس، در ساحه‌ای از مربوطات شهر کندز از خانه‌اش بیرون کرده و به گلوله بسته‌اند.

یکی از نزدیکان عبدالهادی کشته شدنش از سوی طالبان را تأیید می‌کند؛ اما در این مورد جزئیات بیشتر نمی‌دهد.

طالبان تا کنون در این مورد چیزی نگفته‌اند. پس از تسلط طالبان بر افغانستان، بارها گزارش‌هایی در مورد بازداشت، شکنجه و حتا قتل نظامیان پیشین به نشر رسیده است.



**۸ صبح، کندز:** منابع محلی در کندز از کشته شدن امام سابق یکی از کندک‌های ارتش در این ولایت از سوی طالبان خبر می‌دهند. منابع به روزنامه ۸ صبح می‌گویند که طالبان قاری سید عبدالهادی، امام سابق در یکی از کندک‌های

## سرپرست وزیر دفاع طالبان با امیر امارات متحده عربی دیدار کرد



در خبرنامه این وزارت آمده است که دو طرف در این دیدار روی تحکیم روابط، همکاری‌های دوجانبه و موضوعات دیگر گفت‌وگو کرده‌اند.

گفته می‌شود که همکاری‌های دفاعی، مسایل مربوط به مدیریت میدان‌های هوایی افغانستان و به رسمیت شناسی طالبان از محورهای گفت‌وگوی دو طرف بوده است.

ملا یعقوب دو روز پیش با انس حقانی و دیگر افراد بلندپایه طالبان وارد ابوظبی شد.

**۸ صبح، کابل:** پس از سفر ملا محمد یعقوب، سرپرست وزارت دفاع طالبان به امارات متحده عربی، اکنون این وزارت گفته است که وی با امیر امارات متحده عربی دیدار و گفت‌وگو کرده است. وزارت دفاع طالبان روز دوشنبه، ۱۴ قوس، از دیدار ملا یعقوب مجاهد، سرپرست این وزارت با شیخ محمد بن زاید آل نهيان، رییس دولت امارات متحده عربی، در قصر شاهی «الشاطی» خبر داده است.

## کرن دیگر:

## زنان معلول در افغانستان نادیده گرفته می‌شوند

گفته است که به گونه آنلاین با زنان دارای معلولیت در افغانستان صحبت کرده است.

او افزوده است: «من به‌صورت آنلاین با گروهی از زنان معلول در کابل ملاقات کردم که با چالش‌های عظیمی روبه‌رو هستند. این من را عصبانی می‌کند که آن‌ها توسط سیستمی نادیده گرفته می‌شوند که باید آن‌ها را برای کمک‌های تخصصی در اولویت قرار دهد.»

او از معلولان به‌عنوان «انسان‌های زیبا و قوی» یاد کرده و گفته است که فرصت دادن به افراد دارای معلولیت به اقتصاد جوامع کمک می‌کند.

۳ دسامبر برابر است با روز جهانی معلولان. دبیر کل سازمان ملل به مناسبت این روز گفت که دست‌کم ۱.۳ میلیارد نفر در جهان از ناتوانی جسمی رنج می‌برند.



**۸ صبح، کابل:** دو روز پس از تحلیل از روز جهانی معلولان، کاردار سفارت امریکا برای افغانستان گفته است که معلولان در افغانستان نادیده گرفته می‌شوند.

کرن دیگر روز دوشنبه، ۴ قوس، در رشته توییت‌هایی

## طالبان و یوناما؛ ناز و نوازش‌ها برای چیست؟

سیاست‌های یوناما در افغانستان، به‌ویژه در زمینه تعامل با طالبان برای اکثر مردم افغانستان پرسش‌برانگیز شده است. سرکوب رسانه‌ها و محو آزادی بیان از افغانستان، سبب شده است که بسیاری از دیدگاه‌های موجود در میان مردم و حلقه‌های سیاسی به سطح عمومی بازتاب کافی نیابد، اما فضای دیجیتال دست‌کم زمینه تبادل نظر خصوصی میان شهروندان را هنوز زنده نگه داشته است. بسیاری از مردم می‌پرسند که سیاست یوناما در برابر طالبان چیست؟ در نگاه بسیاری از مردم افغانستان، رویکرد این سازمان در قبال طالبان مبتنی بر ناز دادن و نوازش کردن است تا مبادا غباری بر خاطر رهبری طالبان بنشیند و رنجشی در روح لطیف آنان پدید آید؛ از رفتار یوناما با طالبان چنین به اذهان متبادر می‌شود که گویا این گروه مأموریت بزرگی را در این کشور به انجام رسانده و اکنون زمان آن است که به آنان «خسته نباشید» گفته شود و همه باید مواظب باشند که خاطر این گروه، حین تنعم از امکانات و آفری که در اختیارشان قرار گرفته، مکدر نگردد.

این برداشت انتقادی نسبت به عملکرد یوناما در میان حلقه‌های سیاسی افغانستان در خارج و داخل وجود دارد و یکی از پرسش‌های اساسی‌شان را تشکیل می‌دهد. آنان می‌پرسند، اگر عملکردی که طالبان با مردم افغانستان دارند، طبق معیارهای موجود در کنوانسیون‌های معتبر بین‌المللی، که ظاهراً باید نماینده‌گی‌های سازمان ملل پاسدار آن‌ها باشد، در هر کشور دیگری انجام می‌شد، چه حجمی از هیاهو، فشار، تعزیرات، تحریم‌ها و اقدامات کیفری در پی می‌داشت؟ اگر گروهی با زور کشتار و با سیاست انفجار و انتحار و با تاریخچه‌ای آکنده از ویران‌گری خود را بر مردم تحمیل کند، ملتی خسته از جنگ‌های طولانی را در چنگ خود گروگان بگیرد، دهن‌ها را ببندد، رسانه‌ها را از نفس ببیند، نخبه‌گان کشور را به فرار و جلای وطن وادارد، نهادهای مدنی را به تعطیلی بکشانند، زن‌ها را از ابتدایی‌ترین حقوق‌شان محروم کند، محیط‌های آکادمیک را جولان‌گاه جنگ‌جویان بی‌سواد گرداند، معیارهای علمی دانشگاه‌ها را به تمسخر بگیرد، مکاتب و مدارس را به آموزشگاه افکار افراطی تبدیل کند، در هر جا که تحرکی به مخالفت دیده شد با لشکرکشی پاسخش را بدهد، مافیای مواد مخدر بخشی از تشکیلاتش باشد، معادن کشور را مخفیانه به تاراج بگذارد، روزانه به خصوصی‌ترین امور زنده‌گی مردم دخالت کند، همه حقوق شهروندی را رسماً نادیده بینگارد و هزاران جنگ‌جوی افراطی و خشونت‌گرای خارجی را در مناطق مختلف کشور جابه‌جا کند، سازمان ملل در برابر آن چه موضعی اتخاذ می‌کند؟

شماری از سیاسیون افغانستان معتقدند که برخی از کارمندان ارشد یوناما در افغانستان از نام سازمان ملل به عنوان پوشش مأموریت‌هایی دیگر، و ناسازگار با لایحه وظایف رسمی خود، استفاده می‌کنند. این‌که این برداشت تا چه پیمانه معتبر و مستند به مدارک است، نیاز به پژوهش دارد، اما افکار عمومی افغانستان هر روز که می‌گذرد، باور خود را به نقش یوناما از دست می‌دهد و به این تصور می‌رسد که افغانستان برای این سازمان مساوی با طالبان و هواداران‌شان است و بقیه مردم این کشور که دست به خشونت نمی‌زنند، اهمیتی ندارند. آنان می‌پرسند که چرا برای طالبان در اوج کشتارهای شان سال‌های طولانی در قطر نماینده‌گی داده شد، اما برای دیگر گروه‌های مردم افغانستان کوچک‌ترین منفذی برای ابراز وجود داده نمی‌شود؟ آیا جرم‌شان این است که انتحاری نمی‌کنند؟



## ممنوعیت سفر خارجی طالبان؛

# آیا فیصله شورای امنیت سازمان ملل نقض شده است؟

ملا محمد یعقوب مجاهد، سرپرست وزارت دفاع طالبان، روز شنبه، ۱۲ قوس، در حالی به امارات متحده عربی سفر کرده است که مهلت معافیت سفرهای خارجی مقام‌های این گروه از سوی شورای امنیت سازمان ملل به پایان رسیده است. ذبیح‌الله مجاهد، سخنگوی این گروه، با نشر توییتی هدف سفر ملا محمد یعقوب را «تقویت روابط بین دو کشور و رفع مشکلات افغان‌های مقیم در آن کشور» عنوان کرده است. اما شماری از آگاهان امور، سفر او را در راستای چانه‌زنی در مورد ایجاد حکومت همه‌شمول و نزدیکی طالبان با امارات متحده عربی عنوان می‌کنند.



### اعضای رهبری طالبان که شامل محدودیت سفرند

شورای امنیت سازمان ملل متحد نام ۱۳۵ عضو ارشد گروه طالبان و چندین نهاد وابسته به این گروه را در فهرست سیاه خود درج کرده است. در این فهرست نام ملا هبت‌الله آخوندزاده، رهبر این گروه، به چشم نمی‌خورد. تحریم‌های سازمان ملل متحد علیه رهبری طالبان شامل ضبط دارایی‌ها، ممنوعیت سفر و ممنوعیت معامله سلاح است که در جریان گفت‌وگوهای صلح دوحه معافیت سفر ۱۳ تن آنان به‌گونه موقت برداشته شده بود.

براساس آخرین فهرست شورای امنیت سازمان ملل متحد از معافیت سفرهای مقام‌های طالبان که به‌شکل موقت رفع شده بود، عبدالغنی برادر معاون اقتصادی رییس‌الوزراء، عبدالسلام حنفی معاون اداری رییس‌الوزراء، امیرخان متقی وزیر خارجه، شهاب‌الدین دلاور وزیر معادن، عبدالحق وثیق رییس استخبارات، خیرالله خیرخواه وزیر اطلاعات و فرهنگ، دین‌محمد حنیف وزیر امر به معروف و نهی از منکر طالبان، عبداللطیف منصور و شماری دیگر از چهره‌های مطرح این گروه شامل بوده‌اند.

### واکنش طالبان به عدم تمدید معافیت سفرهای خارجی‌شان

طالبان عدم تمدید معافیت سفرهای خارجی اعضای رهبری این گروه را ایجاد فاصله با جهان خوانده و گفته‌اند که «سیاست انزوا» نتیجه نخواهد داد. بلال کریمی، معاون سخنگوی طالبان، در صحبت با برخی از رسانه‌های داخلی گفته است که رژیم آنان تلاش می‌کند تا فاصله موجود میان این گروه و جهان از میان برداشته شود؛ زیرا به گفته او، سیاست «انزواسازی» نتیجه مثبت در قبال نداشته است.

ملا یعقوب و انس حقانی در حالی به امارات متحده عربی رفته‌اند که گفته می‌شود یک نشست مهم در این کشور برگزار خواهد شد. حامد کرزی، رییس‌جمهور پیشین کشور، نیز به امارات متحده عربی رفته است. او که با سقوط افغانستان به دست طالبان از سوی این گروه ممنوع‌الخروج اعلام شد و در یک سال و سه ماه گذشته در حبس خانگی قرار داشت، به‌تازه‌گی اجازه سفر دریافته است. حامد کرزی که اکنون در امارات متحده عربی به سر می‌برد، قرار است سپس به آلمان برود. او اما دلیل سفرش به امارات متحده عربی و آلمان را توضیح نداده است. شماری از منابع می‌گویند که او در این سفر با ملا یعقوب و انس حقانی در امارات ملاقات خواهد کرد. طبق اظهارات منابع، این مقام‌ها برای رأی‌زنی درباره ایجاد حکومت همه‌شمول گرد خواهند آمد. تاکنون اما هیچ‌یک از طرف‌ها به‌گونه رسمی در این زمینه ابراز نظر نکرده‌اند. از این پیش نماینده‌گان کشورهای غربی و همسایه‌های افغانستان بارها بر ایجاد حکومت همه‌شمول در کشور تأکید کرده‌اند. طالبان اما به این خواست پاسخ مثبت ارایه نکرده‌اند.

در قضایای افغانستان برخورد و تعیین نسبت‌شان با طالب متأثر از قواعد سیاسی و منافع واقعی بازیگران در جغرافیای افغانستان است، نه مصوبات حقوقی و شکلی. هیچ کشوری هم از این قاعده مستثنا نیست، از امریکا تا کوچک‌ترین بازیگر، نسبت خود را با طالب بیشتر با قواعد ریاستک تنظیم می‌کنند.

این استاد دانشگاه بخارست می‌افزاید: «طالبان ابزار منطقه‌ای خوبی برای تعقیب منافع قدرت‌ها و استفاده کردن در برابر رقبای‌شان هستند. طالب وضعیت چهارسو را به خود گرفته و هر بازیگر از هر سمت با چنین توقعی با طالب وارد دل‌آتعامل می‌کند و تلاش می‌کند از طالب به نفع خود استفاده کند.»

فردوس کاوش، روزنامه‌نگار، در صحبت با روزنامه ۸صبح می‌گوید: «به نظر می‌رسد امارات متحده عربی در هماهنگی با ایالات متحده و هم‌پیمانان اروپایی‌اش از ملا یعقوب دعوت کرده است؛ چون امارات متحده عربی بدون هماهنگی با هم‌پیمانانش دست به این کار نمی‌زد.»

به گفته آقای کاوش «از دید دیپلماتیک و امنیتی سطح روابط امارات و امریکا بسیار بالا است. از همین رو امکان ندارد که دعوت از ملا یعقوب و پذیرشش در خاک امارات، بدون هماهنگی با امریکا صورت گرفته باشد.»

از نظر این روزنامه‌نگار، فعلاً سیاست ایالات متحده تعامل حداقلی با طالب‌ها است. قبلاً ملا محمد یعقوب به قطر هم سفر کرده بود و به نظر می‌رسد در آن‌جا این سفر با امریکا هماهنگی شده باشد.

### پیشینه ممنوعیت سفرهای خارجی مقام‌های طالبان

شورای امنیت سازمان ملل متحد در سال ۲۰۱۱ میلادی در قطع‌نامه‌ای ویژه، سفرهای خارجی ۱۳۵ عضو طالبان را ممنوع اعلام کرد. افزون بر ممنوعیت سفر، تحریم‌های گسترده‌تری چون مسدودسازی دارایی‌ها را نیز بالای آن‌ها وضع کرد. ایالات متحده امریکا با شروع مذاکرات صلح با این گروه در سال ۲۰۱۸ میلادی، ممنوعیت سفر ۱۵ تن از مقام‌های رهبری این گروه را برداشت و در سال ۲۰۱۹ میلادی شورای امنیت سازمان ملل متحد محدودیت منع سفر ۱۴ عضو طالبان را به منظور شرکت در مذاکرات صلح، به‌گونه موقت رفع کرد.

شورای امنیت سازمان ملل متحد شب جمعه، ۲۸ اسد، نشست بی‌نتیجه را پیرامون تمدید معافیت سفر ۱۳ مقام ارشد طالبان برگزار کرد. اعضای غربی این شورا، به شمول ایالات متحده امریکا، گفتند که طالبان حقوق زنان را به‌صورت گسترده نقض کرده و به وعده‌های‌شان مبنی بر ایجاد حکومت همه‌شمول در افغانستان عمل نکرده‌اند و بنابراین معافیت سفر اعضای ارشد این گروه نباید تمدید شود. نماینده‌گان روسیه و چین اما تأکید داشتند که معافیت سفر ۱۳ مقام ارشد طالبان تمدید شود. سرانجام این نشست بی‌نتیجه پایان یافت و تاکنون هیچ تصمیم تازه‌ای در مورد معافیت سفرهای خارجی مقام‌های ارشد گروه طالبان گرفته نشده است.

تا حال کدام تغییری نیامده است. به گفته آنان، هیچ تصمیم جدیدی از جانب شورای امنیت سازمان ملل در این زمینه گرفته نشده است.

این منابع دیپلماتیک در مورد معافیت سفر ده‌روز ملا خیرالله خیرخواه، سرپرست وزارت اطلاعات و فرهنگ طالبان به روسیه، می‌گویند که این اقدام به درخواست روسیه در شورای امنیت صورت گرفته و این شورا تنها ۱۰ روز معافیت سفر برای او صادر کرده است. این منابع تأکید می‌ورزند که در مورد سفر ملا یعقوب، سرپرست وزارت دفاع طالبان، هیچ تصمیمی گرفته نشده است. آنان احتمال می‌دهند که امارات متحده عربی به‌عنوان عضو شورای امنیت سازمان ملل، توافقی با این شورا کرده باشد که تاکنون همه‌گانی نشده است.

ملا خیرالله خیرخواه، سرپرست وزارت اطلاعات و فرهنگ طالبان، معافیت سفر ده‌روزه را به خاطر اشتراک در پنجاهمین سالگرد کنوانسیون حفاظت از میراث فرهنگی جهان به دست آورده است. این در حالی است که طالبان در دهه ۷۰ خورشیدی یک میراث فرهنگی نادر را در افغانستان نابود کردند. تندیس بودای بامیان از سوی این گروه تخریب شد و نیز بخشی از مجسمه‌های آرشیف ملی کشور ویران گردید.

با این حال، منابع دیپلماتیک در مورد سفر انس حقانی، از اعضای رهبری شبکه حقانی، می‌گویند که او در فهرست تعزیرات شورای امنیت سازمان ملل متحد قرار ندارد.

### دیدگاه آگاهان امور سیاسی در مورد سفرهای خارجی مقام‌های طالبان

به گفته آگاهان امور سیاسی، کشورهای عضو سازمان ملل متحد مسؤلیت دارند تا از فیصله‌های شورای امنیت این سازمان پیروی کنند. به گفته آنان، تعامل با طالبان و سفرهای خارجی مقام‌های آنان، جزو امنیت بین‌المللی شمرده می‌شود و هر نوع گفت‌وگو با این گروه خارج از سازوکارهای این شورا، حمایت غیرمستقیم از طالبان و کنار گذاشتن مردم افغانستان است.

از نظر این آگاهان سیاسی، امارات متحده عربی در حالی که از حامیان کلیدی طالبان در دو دهه گذشته به شمار می‌رود، اما نسبت به قطر اشراف کمتری بالای طالبان دارد و از همین رو تلاش می‌کند با تعامل بیشتر، سلطه خود را افزایش دهد.

دکتر ذاکر حسین ارشاد، استاد دانشگاه بخارست رومانی، در صحبت با روزنامه ۸صبح می‌گوید: «همان‌گونه که افغانستان جغرافیای جنگ‌های نیابتی است، طالب سازمان پیش‌برد اراده گروه‌های مختلف و رقیب و خصم‌ها است. در ساختار این گروه ظرفیت‌های چندگانه و متناقض وجود دارد و همه‌گان از آن طریق با طالبان تعامل می‌کنند.» آقای ارشاد درباره سفرهای خارجی مقام‌های طالبان بدون در نظر داشت فیصله شورای امنیت سازمان ملل می‌گوید: «برخوردها تا این‌جای کار هم با طالبان قبل از آن‌که حقوقی باشد، بیشتر سیاسی است. کشورها در کل تمام بازیگران خارجی ذی‌دخل

معافیت سفرهای خارجی مقام‌های ارشد طالبان بیش از چهار ماه می‌شود که پایان یافته است. شورای امنیت سازمان ملل متحد در ماه اسد سال روان خورشیدی نشست را پیرامون معافیت سفرهای خارجی ۱۳ مقام طالبان برگزار کرده بود. این نشست اما بی‌نتیجه پایان یافت. پس از آن، شورای امنیت سازمان ملل در زمینه تعزیرات بر مقام‌های این گروه تصمیم تازه‌ای نگرفته و مهلت معافیت سفرهای آنان تمدید نشده است. در تازه‌ترین مورد، دو تن از اعضای رهبری طالبان به امارات متحده عربی سفر کرده و با مقام‌های این کشور دیداری داشته‌اند. شماری از شهروندان و سیاست‌مداران با انتقاد از مقام‌های دولت امارات متحده عربی، می‌پرسند که این کشور چرا به فیصله‌های شورای امنیت سازمان ملل متحد احترام نمی‌گذارد. آگاهان امور اما می‌زبان امارات متحده عربی از رهبران طالبان را رقابت این کشور با قطر عنوان می‌کنند. این در حالی است که مقام‌های رهبری طالبان چندی پیش از عدم تمدید معافیت سفرهای خارجی اعضای این گروه انتقاد کرده بودند.

ملا محمد یعقوب مجاهد، سرپرست وزارت دفاع طالبان، روز شنبه، ۱۲ قوس، در حالی به امارات متحده عربی سفر کرده است که مهلت معافیت سفرهای خارجی مقام‌های این گروه از سوی شورای امنیت سازمان ملل به پایان رسیده است. ذبیح‌الله مجاهد، سخنگوی این گروه، با نشر توییتی هدف سفر ملا محمد یعقوب را «تقویت روابط بین دو کشور و رفع مشکلات افغان‌های مقیم در آن کشور» عنوان کرده است. اما شماری از آگاهان امور، سفر او را در راستای چانه‌زنی در مورد ایجاد حکومت همه‌شمول و نزدیکی طالبان با امارات متحده عربی عنوان می‌کنند. به گفته آنان، این کشور در حالی که طالبان را به رسمیت نشناخته، اما در رقابت با قطر وارد میدان شده و می‌خواهد سلطه خود را بالای این گروه افزایش دهد.

همزمان با سفر سرپرست وزارت دفاع طالبان، انس حقانی، از اعضای رهبری این گروه، نیز به امارات متحده عربی سفر کرده است. تصاویری که از جریان نشست‌های این گروه با شماری از شهروندان افغانستان مقیم امارات به نشر رسیده است، نشان می‌دهد که هر دو در یک نشست حضور دارند.

ملا محمد یعقوب مجاهد، سرپرست وزارت دفاع طالبان و انس حقانی، از اعضای رهبری این گروه، در حالی به امارات متحده عربی سفر می‌کنند که معافیت سفرهای خارجی آنان حدود چهار ماه قبل به پایان رسیده و پس از آن شورای امنیت سازمان ملل متحد در این مورد تصمیم تازه‌ای اتخاذ نکرده است. شورای امنیت سازمان ملل متحد شب جمعه، ۲۸ اسد، نشست را پیرامون تمدید معافیت سفر ۱۳ مقام ارشد طالبان برگزار کرد که سرانجام بدون نتیجه پایان یافت و این معافیت تمدید نشد.

با این حال، منابع دیپلماتیک در مجمع عمومی سازمان ملل متحد به روزنامه ۸صبح می‌گویند که در مورد تمدید ممنوعیت سفر ۱۳ تن از اعضای ارشد طالبان



# حق محیط زیست سالم و وضعیت افغانستان

پرویز شاه صافی



جامعه سیاسی افغانستان و فعالان اجتماعی و فرهنگی با انواع و اقسام نقض حقوق بشر آشنايند، اما کمتر کسی از حقی به نام حق دسترسی به محیط زیست سالم به عنوان یکی دیگر از بخش‌های عمده حقوق بشر صحبت می‌کند. این اغراق نیست اگر بگوییم که حقوق بشر و محیط زیست دو روی یک سکه‌اند و روابط نزدیک و جدایی‌ناپذیری باهم دارند. این روابط را می‌توان از دو منظر نگریست؛ از یک سو مسایل زیست‌محیطی می‌توانند ابعاد حقوق بشری داشته باشند (Human Rights Aspects of Environmental Matters) و از سوی دیگر مسایل حقوق بشری می‌توانند ابعاد زیست‌محیطی (Environmental Aspects of Human Rights) و از سوی دیگر مسایل حقوق بشری» می‌توان به ارتباط حق حیات و محیط زیست، حق مالکیت و محیط زیست، حق کار و محیط زیست، حق آموزش و محیط زیست، آزادی تشکیلات و اجتماعات و پیوند آن با مسایل محیط زیست، حق دسترسی به اطلاعات و محیط زیست، برابری و منع تبعیض و محیط زیست، آزادی مسکن و محیط زیست، حق توسعه و محیط زیست، حق بهداشت و محیط زیست، حق صلح و محیط زیست و نظایر آن اشاره کرد. در نوع دوم می‌توان از «ابعاد حقوق بشری مسایل زیست‌محیطی» صحبت کرد. در این نوع و خلاف نوع نخست مسایل مختلف زیست‌محیطی از منظر حقوق بشر تحلیل می‌شوند. برای مثال، می‌توان به موضوعاتی نظیر ارتباط آلودگی هوا و حقوق بشر (حق هوای پاک)، آلودگی آب و حقوق بشر (حق آب سالم)، آلودگی صوتی و حقوق بشر (حق محیط آرام)، زباله‌ها و حقوق بشر، فضای سبز و حقوق بشر، حق منظر، حق جبران خسارات زیست‌محیطی و مواردی از این دست اشاره کرد.

از منظر بین‌المللی هم غالب موضوعات زیست‌محیطی پیوندی نزدیک با مسایل حقوق بشری دارند. حقوق بشر اساساً بدون رعایت اصول حفاظت از محیط زیست به اجرا در نمی‌آید و حق محیط زیست نیز برای اجرای مطلوب‌تر نیازمند به حقوق بشر است. لذا در قرون اخیر گسترش روزافزون تباهی‌های زیست‌محیطی در گستره ملی، منطقه‌ای و جهانی و به دنبال آن مخاطراتی که کل اکوسیستم و حیات انسانی را در ابعاد مختلف جسمی، بهداشتی و روحی تهدید می‌کند، مسایل اساسی فراوانی را در دو حوزه محیط زیست و حقوق بشر به چالش می‌کشد؛ این که حقوق بشر و محیط زیست چه ارتباطی باهم دارند؟ آیا قوانین زیست‌محیطی مسایل مربوط به حقوق بنیادین بشر را در نظر گرفته‌اند؟ چگونه می‌توان در جریان وضع و اجرای قوانین و مقررات حفاظت محیط زیست به قواعد حقوق بشری احترام گذاشت؟ آیا گسترش آلودگی‌های زیست‌محیطی می‌تواند منجر به نقض حقوق مختلف بشری از جمله حق حیات شود و همچنان جامعه بین‌المللی در این زمینه چه تلاش‌هایی را انجام داده است؟

در یادداشت حاضر سعی شده برخی از ابعاد این مساله معرفی و برخی از پاسخ‌ها به پرسش‌های فوق آرایه شود.

با این توضیح می‌توان امروزه صحبت از حوزه جدیدی در مطالعات زیست‌محیطی و حقوق بشری تحت عنوان «حقوق بشر زیست‌محیطی» کرد. منظور از این حقوق در واقع آن دسته از حقوق بشری است که به مساله حمایت از محیط زیست پیوند می‌خورد و مجموعه‌هایی از حقوقی را در بر می‌گیرد که انسان‌ها از آن جهت که در محیط زیست زنده‌گی می‌کنند، برای رشد مناسب و سلامتی خویش باید از آن بهره‌مند باشند. شاید شهروندان هم به این حق خود در جامعه واقف نباشند. حق سلامتی و تندرستی که در معاهدات و رویه‌های بین‌المللی به رسمیت شناخته شده است، محافظت در مقابل خطرات زیست‌محیطی را که می‌تواند در درازمدت سلامتی انسان‌ها را تهدید کند، در بر می‌گیرد. حق برخورداری از یک معیار لازم برای سلامتی جسمی و روحی، حق آزادی و امنیت، حق برخورداری از سطح زنده‌گی مناسب، حق برخورداری از شرایط کاری مناسب، حق داشتن خانه و حق داشتن غذا، همه وابسته به محیط زیست است که بتواند حیات بشر را تضمین کند. بنابراین، دسترسی به آب سالم، هوای پاک و محیط زیست پاکیزه از اساسی‌ترین

**امروزه کمبود آب در جهان به یک گرفتاری مسری تبدیل شده است که یکی از تبعات منفی آن بی‌جاشدن کشاورزان از روستاها به شهرها و مهاجر شدن شهروندان جهت یافتن کسب‌وکار و شغل جدید است. به‌طور مثال، این اتفاق در سوریه رخ داد که بخشی از آن مربوط به آب بود. این مهاجرت، کشورهای همسایه سوریه را نیز درگیر کرد. این وضعیت مشخصاً اردن و کشورهای اروپایی را دچار مشکل کرده است.**

باشد. بنابراین، برای توقف نقض این حق، باید امروز تلاش کرد.

جنبه دیگر، فرامی‌گذاری بودن بحث حقوق محیط زیست است. تخریبی که در یک گوشه جهان صورت می‌گیرد، زنده‌گی افراد را در گوشه‌های دیگر جهان نیز تهدید می‌کند. گرمایش زمین یک مثال خوب از این ماجرا است؛ زیرا تصمیماتی که از انقلاب صنعتی به این سو برای توسعه کشورهای مختلف گرفته شده، امروز کل دنیا را گرفتار کرده است. متأسفانه همواره هر چه سنگ است، مال پای لنگ است؛ یعنی جامعه ملتی که از لحاظ اقتصادی ضعیف‌تر است، تبعات بیشتری را متحمل می‌شود. این را اگر در کشور خودمان جست‌وجو کنیم، درمی‌یابیم که چهار دهه جنگ و استفاده از جنگ‌افزارهای گوناگون، اثرهای منفی برجای گذاشته است. تالاب‌ها و جوی‌بارها که در شهرها و روستاها مثل ریه‌های منطقه‌ای عمل می‌کنند و با تمیز کردن هوای اطراف، نفس کشیدن را راحت‌تر می‌سازند و همچنین به حفظ تعادل چرخه اکوسیستم کمک می‌کنند، تخریب شده‌اند. نابودی این زیربناها و جوی‌بارهای طبیعی، روی افرادی که کیلومترها آن‌سوتر زنده‌گی می‌کنند، نیز اثر می‌گذارد. گردوغبار نیمروز و زایل به دلیل اقلیم خشکی که دارند، نه تنها مردم آن‌جا را در تابستان‌ها گرفتار کمبود آب و مشکلات تنفسی می‌کند، بلکه مردم ولایت‌های مختلف را درگیر توده‌ای از ذرات جامد گردوغبار یا ریزگرد می‌سازد که این پدیده دید افقی را میان یک و دو کیلومتر محدود می‌کند و برای بیماران تنفسی بسیار زیان‌آور است. همچنان زمستان پیش رو با نبود بارنده‌گی در بخش‌های جنوب و غرب افغانستان بحث آب و مشکلات آبی متعدد، می‌تواند اختلاف را بین شهرها شکل بدهد و حتا امروز اکثر ولایات پرجمعیت افغانستان به ویژه کابل، با کمبود شدید آب آشامیدنی

مواجه‌اند، تا جایی که سطح آب‌های زیرزمینی در سال جاری سه‌ونیم متر کاهش یافته است. افزایش جمعیت، مصرف آب‌های زیرزمینی و تغییر اقلیم از دلایل عمده این زنگ خطر است که قطعاً زنان و کودکان روستایی، کشاورزان، مردم خیمه‌نشین و بی‌جاشده‌گان داخلی در اثر جنگ‌های چهار دهه اخیر، قربانی‌های بالقوه این پدیده مهلک‌اند. آن‌ها را در زمستان سرد و خشک بدون بارنده‌گی، در کنار مشکلات متعدد دیگر مانند فقر اقتصادی، بیکاری و تنگ‌دستی که پس از ۱۵ اگست ۲۰۲۱ افزایش یافته، روبه‌رو شده‌اند.

امروزه کمبود آب در جهان به یک گرفتاری مسری تبدیل شده است که یکی از تبعات منفی آن بی‌جاشدن کشاورزان از روستاها به شهرها و مهاجر شدن شهروندان جهت یافتن کسب‌وکار و شغل جدید است. به‌طور مثال، این اتفاق در سوریه رخ داد که بخشی از آن مربوط به آب بود. این مهاجرت، کشورهای همسایه سوریه را نیز درگیر کرد. این وضعیت مشخصاً اردن و کشورهای اروپایی را دچار مشکل کرده است.

بحث فرامی‌گذاری بودن محیط زیست نکته‌ای دیگر است که اهمیت داشتن یک محیط زیست سالم را بالا می‌برد و به ما یادآوری می‌کند که چه قدر حفظ این حق مهم و حیاتی است. اگر از لحاظ سیاسی در سطح بین‌المللی نگاه کنیم، اهمیت به محیط زیست مورد توجه قرار نگرفته است. اگر به موارد نقض حق محیط زیست سالم نگاه کنیم، درمی‌یابیم که اقتصادهای قوی و گردن‌کلفت دنیا، غول‌های اقتصادی، شرکت‌های بزرگ و... مقصر و ناقض اصلی این وضعیت‌اند. همچنان گزارش‌های دفتر معاونت سازمان ملل (یوناما) این آمار را به اطلاع رساند که افغانستان در جایگاه ششمین کشور آسیب‌پذیر در برابر پیامدهای تغییر اقلیم از لحاظ خشک‌سالی، سیلاب، لغزش زمین و برف‌کوچ قرار دارد. بر این اساس، ۷۰ درصد کودکان کشور در معرض خطر تغییر اقلیم قرار دارند.

اکنون کشور زیر سلطه طالبان در وضعیتی قرار دارد که تمامی حقوق اولیه بشری از سوی این گروه به‌صورت گسترده نقض می‌شود. در چنین وضعیتی، حتا انتظار از حاکمان در مورد جلوگیری از تخریب بیشتر محیط زیست و احترام به حق داشتن محیط زیست سالم، خیال‌بافی‌ای بیش نیست. در یک سیستم غیردموکراتیک و رژیم‌ی که انواع حقوق اولیه انسان‌ها مثل حق داشتن آموزش، حق کار و حق عدالت از سوی حاکمان نقض می‌شود، بعید به نظر می‌رسد که برای رعایت حق محیط زیست کاری صورت گیرد. در بحث حقوق محیط زیست جوامع، نه تنها باید به انسان‌ها حق دسترسی به آب، هوا و محیط زیست سالم را داد، بلکه باید به آن‌ها حق دخالت در فرایند و مدیریت تخصیص منابع طبیعی نیز داده شود. سلامت روانی نیاز اصلی و اساسی زنده‌گی فرد است، اما با روی کار آمدن طالبان در ۱۵ اگست ۲۰۲۱، حتا بوسن‌ها، پارک‌ها و مکان‌های تفریحی و گردشگری در شهرها به روی نصف نفوس جامعه قفل شده و حتا برخی از این مکان‌ها به پوسته‌های امنیتی و نظارت‌خانه‌های طالبان تبدیل شده است. همچنان ۴۰ سال جنگ مسلحانه در افغانستان سبب ویرانی‌های بسیاری شده است. براساس گزارش دیده‌بان حقوق بشر، تخمین زده می‌شود که بیش از نیم جمعیت افغانستان، به شمول بسیاری از بازمانده‌گان خشونت‌های ناشی از این درگیری‌ها، دچار افسرده‌گی، اضطراب، ترس و استرس پس از سانحه شده‌اند. طبق اسناد دولت پیشین، کمتر از ۱۰ درصد مردم از حمایت روانی و اجتماعی کافی از سوی دولت مستفید شده‌اند. امروز هم ما برای تامین حقوق افراد جامعه نیاز به سیستم‌های مشروعی داریم که شفافیت، عدالت و مشارکت را به‌عنوان ارکان نظام اداری و سیستم حکمرانی خود به رسمیت بشناسد. متأسفانه ما در کشور خود و حتا در سایر کشورها می‌بینیم که این شرایط وجود ندارد و به نقض حق محیط زیست سالم ادامه می‌دهند. بناءً این باعث می‌شود که حق مشارکت و عدالت از انسان‌ها در فقدان شفافیت سلب شده و پیشرفت در آن جامعه متوقف شود. امروز ما در افغانستان همان‌طور که مصداق‌های نقض حقوق محیط زیست را در اطراف خود می‌بینیم، در حوزه‌های دیگر جامعه هم شاهد سلب شدن حقوق طبیعی شهروندان هستیم. پس بدون اصلاح نظام، نمی‌توان از حق محیط زیست سالم محافظت کرد.



# وضعیت رقت بار آرامگاه ابوریحان البیرونی در غزنی

۸ صبح، غزنی

هرچند کشورهای جهان توجه ویژه‌ای به آرامگاه شخصیت‌های سرشناس مبدول می‌دارند، اما مقبره ابوریحان البیرونی با نهایت خفت در گوشه یک باغ در ولایت غزنی به فراموشی سپرده شده است. این باغ در منطقه باغ‌های بهلول در شمال شرق قلعه تاریخی غزنی موقعیت دارد. آرامگاه این شخصیت سرشناس و یکی از نابغه‌های منطقه، با وجود وعده‌های پیهم مسوولان در حکومت‌های گذشته هنوز هم ساخته نشده است.

ابوریحان البیرونی حدود یک هزار سال پیش در ولایت غزنی درگذشت، اما آرامگاه او هنوز هم ویرانه‌ای بیش نیست. براساس یافته‌های روزنامه ۸ صبح، در جریان دو دهه گذشته چندین بار وعده ساخت این آرامگاه داده شده و باری هم کار عملی ساخت‌وسازش از سوی مرکز فرهنگی بیرونی‌شناسی آغاز شد، اما به علت‌های ناروشن به پایه اكمال نرسید.

فخرالدین ۷۰ ساله که از هنگام جوانی تاکنون از ساحه باغ البیرونی و آرامگاه او محافظت می‌کند، از حکومت‌های چندین دهه پسین در کشور گلایه دارد. او که دیگر توان کار و محافظت از این آرامگاه برایش باقی نمانده است، در صحبت با روزنامه ۸ صبح می‌گوید: «یک بار در زمان حکومت شاهی یک پژوهشگر خارجی از کشور ایتالیا به غزنی آمد و پس از بازگشایی مرقد این دانشمند که به شکل دو مرقد بهم‌پیوسته بود، آن را پس از کار و تحقیقات چندین‌روزه از روی استخوان‌های زن و مرد شناخت و از هم جدا ساخت.» پرمرد می‌افزاید: «در نتیجه تحقیقات ثابت شد که یکی از این قبرها مربوط به ابوریحان البیرونی و دیگری از خامش است و دوباره به شکل دو گور و نزدیک به هم ساخته شد، اما پس از آن کسی برای ساخت‌وساز این آرامگاه به این باغ نیامده است.»

فخرالدین توضیح می‌دهد که برای بازدید از مرقد این دانشمند گردشگران زیادی در سال‌های گذشته از ایران و کشورهای آسیای میانه می‌آمدند، او که بیشتر از بی‌توجهی دولت‌ها به بازسازی این آرامگاه شکایت دارد، اضافه می‌کند: «در همین چند سال گذشته هم یک بار یک پروژه آمد و چهاردیواری تکمیل شد، باز این‌جا گفتند که کتاب‌خانه و یک جای فرهنگی جور می‌کنیم. قبر را هم از این‌جا به داخل گنبد انتقال می‌دهیم. باز نیم‌کاره ماندند و رفتند.»

منابع محلی تأیید می‌کنند که پس از نام‌گذاری غزنی به «مرکز فرهنگی جهان اسلام» توجه حکومت پیشین به این ولایت جلب شد و ساخت مقبره البیرونی به یکی از پروژه‌هایی مبدل شد که باید در مدت یک سال تکمیل می‌شد. قرار معلومات به دست آمده، قرار بود ضمن ساختن مقبره به‌صورت پخته و اساسی، یک مرکز بزرگ البیرونی‌شناسی نیز در این ولایت ساخته شود. برای تکمیل این پروژه حدود ۲۲ میلیون افغانی از بودجه حکومت پیشین منظور شد و کار ساختمانی آن آغاز یافت، اما شرکت پیمان‌کار این پروژه را به‌صورت نیمه‌تمام رها کرد و پول آن حیف‌ومیل گردید.

افزون بر این، در سال ۱۳۹۵ خورشیدی هیأتی باصلاحیت به نمایندگی از حکومت اوزبیکستان به شمول سفیر و نماینده ویژه رییس جمهور این کشور در بخش فرهنگی، برای ساخت‌وساز مرقد این دانشمند آستین بالا زد و به غزنی آمد. اعضای این هیأت نیز کارهای مقدماتی را برای ساخت مرکز تحقیقاتی البیرونی‌شناسی آغاز کردند و وعده دادند که این پروژه را تکمیل خواهند کرد؛ اما حالا که شش سال از آن زمان می‌گذرد، هنوز هم هیچ خبری از آغاز کار در این ساحه نیست.

فرهنگیان در غزنی با انتقاد از نهادهای مسوول به‌ویژه وزارت اطلاعات و فرهنگ، می‌گویند که می‌بایست مرقد این شخصیت برانزده، سال‌ها قبل ساخته می‌شد. فردوس عالمی که در عرصه‌های فرهنگی و آبدیه‌های تاریخی کشور تحقیق کرده است، می‌گوید: «حکومت‌های پیشین غفلت کردند. واقعاً جای شرم است وقتی ما این مکان مخروبه را به یک سیاح خارجی نشان بدهیم که این‌جا کسی به نام البیرونی خفته است.» او از طالبان می‌خواهد تا طرح‌های قبلی این آبدیه مهم را که در وزارت شهرسازی و وزارت اطلاعات و فرهنگ موجود است، عملی کنند. گفتنی است که در آخرین مورد، در ماه‌های پایانی عمر حکومت پیشین، موضوع ساخت‌وساز مقبره ابوریحان البیرونی یک بار دیگر سر زبان‌ها آمد و طرحی که از سوی وزارت شهرسازی آماده شده بود، قرار بود با همکاری وزارت اطلاعات و فرهنگ در ساحه تطبیق شود، اما به علت اوج‌گیری ناامنی‌ها و سقوط حکومت پیشین، این طرح نیز مانند طرح‌های قبلی روی کاغذ باقی ماند و تطبیق نشد. باغ البیرونی در حومه شهر غزنی موقعیت دارد و حدود پنج جریب زمین را احاطه کرده است.

ابوریحان محمد بن احمد البیرونی، مشهور به ابوریحان البیرونی، در سال ۳۵۲ هجری قمری در روستای بیرون از توابع شهر خوارزم زاده شد. او به‌عنوان پدر علم انسان‌شناسی، زمین‌سنجی، ستاره‌شناسی، ریاضی‌دان و تاریخ‌دان شناخته می‌شود. این نابغه بیش از ۱۴۰ اثر علمی در عرصه‌های مختلف از خود برجا گذاشته است.

براساس روایت‌های تاریخی، ابوریحان البیرونی در سن ۱۷ سالگی به پژوهش آغاز کرد و در سن ۲۵ سالگی در منطقه شهرت ویژه‌ای یافت. هنگامی که سلطان محمود غزنوی در نخستین سال‌های قرن پنجم، خوارزم را تصرف کرد، شماری از دانشمندان محل به شمول ابوریحان را دعوت کرد تا به غزنی بیایند. ابوریحان این دعوت را پذیرفت و به مرکز فرمان‌روایی غزنویان آمد و تا پایان عمرش در همین‌جا زنده‌گی کرد. او در بیشتر لشکرکشی‌ها به سمت هند، سلطان محمود غزنوی را همراهی می‌کرد. دلیل این همراهی، پژوهش درباره فرهنگ و زبان مردم هند عنوان شده است. سرانجام این نابغه سرشناس در سال ۴۲۷ قمری به عمر ۷۵ سالگی در ولایت غزنی درگذشت و در همین شهر به خاک سپرده شد.



## سربریده و جسد گلوله‌باران شده؛

# روایت قتل یک پسر و پدر در زندان طالبان

منابع محلی در غور به روزنامه ۸ صبح می‌گویند که طالبان احمدخان رسولی و فرزندش شراف‌الدین رسولی را در اوایل میزان امسال از خانه‌اش بازداشت کردند. به گفته نزدیکان آقای رسولی، این بزرگ قومی با پسرش توسط نیروهای استخبارات طالبان بازداشت شده بودند.



۸ صبح، غور

منابع محلی در غور از کشته شدن یک بزرگ قومی و پسرش توسط نیروهای استخبارات طالبان خبر می‌دهند. این پدر و پسر حدود سه ماه پیش از سوی افراد طالبان بازداشت شده بودند، اما اجساد پوسیده‌شده آنان دو روز پیش در شهر فیروزکوه، مرکز ولایت غور، پیدا شده است. بسته‌گان این بزرگ قومی می‌گویند که طالبان در سه ماه گذشته از بازداشت این دو تن ابراز بی‌خبری می‌کردند، اما اکنون خانواده او را مطلع ساخته‌اند که اجساد این دو تن در سردخانه است. در یک هفته گذشته این دومین موردی است که از شکنجه وحشت‌ناک طالبان در زندان‌های این گروه حکایت می‌کند.

منابع محلی در غور به روزنامه ۸ صبح می‌گویند که طالبان احمدخان رسولی و فرزندش شراف‌الدین رسولی را در اوایل میزان امسال از خانه‌اش بازداشت کردند. به گفته نزدیکان آقای رسولی، این بزرگ قومی با پسرش توسط نیروهای استخبارات طالبان بازداشت شده بودند. احمدخان رسولی مشهور به رییس احمدخان از بزرگان قومی در ولسوالی تازه‌تاسیس «الفاروق» در ولایت غور بود. او در زمان جمهوریت نیز از جایگاه و پایگاه مردمی برخوردار بود. با این حال، او با طالبان همکاری می‌کرد و نقش برجسته‌ای در سپردن بخش‌های مهم ولایت غور به این گروه داشت. طالبان اما پس از تسلط کامل بر کشور، به همکاری‌های او نیز توجه نکردند و او را به گلوله بستند.

منابع می‌افزایند که نیروهای استخبارات طالبان احمدخان رسولی و پسرش را به اتهام عضویت در گروه داعش بازداشت کرده بودند. یک منبع نزدیک به طالبان که نمی‌خواهد نامش در این گزارش ذکر شود، به روزنامه ۸ صبح می‌گوید: «برای طالبان خبر رسیده بود که احمدخان با داعش رابطه دارد و عضو داعش شده و تقریباً همین روزها ۱۲ لک افغانی از داعش گرفته است.» هرچند خانواده او این ادعای طالبان را تأیید نمی‌کنند، اما باشندگان محل به این باورند که حتا اگر عضویت داعش را می‌داشت، باید زندانی می‌شد و نیاز نبود از سوی طالبان که خود را حاکمان کشور می‌دانند، با چنین بی‌رحمی او و پسرش به قتل می‌رسیدند.

پس از بازداشت احمدخان رسولی و فرزندش، شماری از باشندگان ولسوالی الفاروق به ارگان‌های مربوطه طالبان مراجعه کرده و خواستار وضاحت در مورد سرنوشت آنان شده‌اند. اداره استخبارات طالبان در غور اما از بازداشت آقای رسولی انکار کرده است. پس از بارها مراجعه به ارگان‌های ملکی و نظامی طالبان در غور، در سه ماه گذشته هیچ سرخی از بازداشت این بزرگ قومی و پسرش پیدا نشده است.

پس از تلاش‌های فراوان، باشندگان ولسوالی الفاروق درخواستی نوشته و به دفتر رییس‌الوزرای طالبان فرستادند. آنان در این درخواستی خواستار روشن شدن دلیل بازداشت این بزرگ قومی و سرنوشت او شده بودند. یک نقل از درخواستی اهالی این ولسوالی در اختیار روزنامه ۸ صبح قرار گرفته که در آن نگاشته شده است: «با عرض احترام! در پیوند به بازداشت و مفقودی محترم الحاج احمدخان رسولی، یک تن از بزرگان و منتقدان پرنفوذ قومی ولایت غور و پسرش الحاج شراف‌الدین رسولی که حدود چند روز قبل از سوی منسوبین ریاست عمومی استخبارات بازداشت شده‌اند،

می‌نگاریم این‌که ایشان از جایگاه ویژه‌ای در میان مردم غور برخوردارند و نیز در پیروزی و تقویت هسته امارت اسلامی در ولسوالی الفاروق و کمک به مجاهدین امارت اسلامی در آن ولسوالی کمک‌های بی‌شایبه و چشم‌گیری داشت. اما این‌که ریاست استخبارات براساس هر اتهامی که ایشان را بازداشت کرده، لازم است تا طبق قانون و شریعت از سرنوشت‌شان معلوماتی در دست باشد.»

در این برگه درخواستی همچنان آمده است: «از زمان بازداشت این بزرگ قومی تا هنوز از ریاست استخبارات ولایت غور و مقام‌های دیگر این ولایت درباره سرنوشت‌شان جوایب معلومات شده‌ایم که این ادارات از معلوم بودن سرنوشت‌شان اظهار بی‌خبری می‌کنند.» باشندگان ولسوالی الفاروق از ریاست‌الوزرای طالبان خواستند تا مقام‌های محلی غور را وادار بسازد که در مورد سرنوشت این بزرگ قومی و پسرش معلومات بدهند.

یکی از باشندگان ولسوالی الفاروق می‌گوید که ریاست‌الوزرای طالبان نیز در این مدت به آن‌ها پاسخی نداده است. با این حال، اهالی منطقه بار دیگر در اوایل عقرب امسال نزد احمدشاه دین‌دوست، والی طالبان برای غور، مراجعه کرده و خواهان روشن شدن سرنوشت این بزرگ قومی و پسرش شده‌اند. والی غور به آنان وعده سپرده که تا یک روز دیگر مرده یا زنده‌اش را به آنان تحویل خواهد داد. بسته‌گان این بزرگ قومی می‌گویند با وجود این‌که یک هفته از وعده دین‌دوست سپری شد، بازهم هیچ سرخی از احمدخان و پسرش به دست نیامد.

یک منبع در ولایت غور تأیید می‌کند که طالبان در اوایل میزان سال روان خورشیدی احمدخان رسولی و فرزندش را پس از بازداشت جهت تحقیقات به کابل منتقل کرده بودند. او اما جزئیات بیشتری ارائه نکرده است.

اکنون که از بازداشت احمدخان رسولی و فرزندش شراف‌الدین رسولی نزدیک به سه ماه سپری شده است، روشن شده که نیروهای استخبارات طالبان پس از شکنجه این دو تن را به قتل رسانده‌اند. جسد احمدخان رسولی دو روز پیش (یک‌شنبه شب، ۱۳ قوس) در منطقه «الندر» از مربوطات شهر فیروزکوه، مرکز ولایت غور، پیدا شده است. آن‌چنانی که بسته‌گان این بزرگ قومی توضیح می‌دهند، احمدخان با شلیک گلوله کشته شده و پسرش سر بریده شده است. اجساد این دو تاکنون در سردخانه مرکزی شهر فیروزکوه نگهداری می‌شود و به خانواده آنان تسلیم داده نشده است.

این‌ها نخستین زندانیانی نیستند که در نتیجه شکنجه طالبان در زندان کشته شده باشند. در یک رویداد مشابه، یکی از آموزگاران مکتب حدود شش ماه پیش از سوی نیروهای استخبارات طالبان در ولایت جوزجان بازداشت شد. خانواده این آموزگار هفته گذشته خبر شد که او زیر شکنجه طالبان در زندان جان باخته است. مسوولان محلی طالبان به خانواده مقتول گفته‌اند که او را در منطقه شهدای صالحین کابل دفن کرده‌اند و کسی اجازه ندارد قبر او را باز کند. از این پیش نیز گزارش‌های زیادی از شکنجه‌های وحشت‌ناک در زندان‌های طالبان نشر شده است.



# مساله مقاومت دوم چیست؟

عبدالکریم فنایی بخش دوم



**۴) اسلام معتدل**

برای درک سرشت، قلمرو و ضرورتِ «اسلام معتدل»، درک افراطیت دینی اجتناب‌ناپذیر است؛ زیرا این دو مقوله ملازم هم‌اند. افراطیت اصولاً موضوعی در ساحت اندیشه است. به بیان دیگر، افراطیت پیش از همه نوعی نظام اعتقادی است و از این رو، پیش از آن‌که در قالب رفتارهای شخصی و گروهی ظهور کند، به‌عنوان امر اعتقادی موجودیت می‌یابد. نکته اصلی این است که این نظام آگاهی حاصل خوانش و شیوه‌های تفسیری خاصی از متون دینی است، هرچند نقش توطیه‌های خارجی و استبداد داخلی را نمی‌توان در شکل‌گیری آن نادیده گرفت. افراطیت از میان دو رویکرد تأویل‌گرا و ظاهرگرا، به ظاهرگرایی –آن‌هم ظاهرگرایی متصلب –استوار است و بنابراین، فهم سطحی از قرآن و سنت را برای فهم کل دین در دنیای معاصر، بلکه کل حقیقت بسنده می‌داند. انتظار افراطیت از دین، انتظار موسع است که در آن می‌توان حتا معالجه بیماری‌های بدنی را از دین جست‌وجو کرد. افراطیت با این تفسیر، عملاً در برابر واقعیت مدرن اعم از: آموزش زنان، مشارکت سیاسی، انتخابات، لزوم رعایت حقوق اقلیت‌ها و غیره قرار می‌گیرد. فهم منجمد و ظاهری از متن دینی، به اضافه بی‌توجهی به شرایط تاریخی، مقاصد شرع، اصل اجتهاد، ضرورت‌های جدید و غیره، گروه‌های افراطی را در حفره گذشته‌گرایی متصلب افکنده است. از این رو، تندروان دینی به جای تعامل با واقعیت‌های جدیدی که فراروی‌شان صف کشیده است، به تقابل و ستیزه‌جویی با آن برخاسته‌اند و عملاً در صدد نفی آن آستین برزده‌اند. این‌که چنین نگرشی چگونه به وجود آمده و شکل‌گیری آن معلول کدام عوامل تاریخی است، عجلالتاً موضوع بحث ما نیست. با وجود این، در تاریخ نزدیک به دوره ما، سه عامل نقش مهمی در اشاعه افراط‌گرایی در جوامع مختلف اسلامی داشته است:

اولاً استعمار: ورود استعمار به سرزمین‌های اسلامی در سده نوزدهم و بیستم که به یمن انقلاب صنعتی اروپا ممکن شده بود، یکی از خاستگاه‌های اصلی افراط‌گرایی دینی شناخته می‌شود. جوامع اسلامی که به سبب توسعه‌نیافتگی علمی نمی‌توانستند در برابر هژمون آهنین غرب بایستند، ناگزیر شدند بر عنصر ایدئولوژی تکیه کنند. طبیعی است که در چنین شرایطی، تنها اسلام می‌توانست خواست جوامع اسلامی را در برابر استعمار برآورده سازد و به آن‌ها در برابر هژمون غرب، متکی دینی و اعتقادی فراهم آورد. ایدئولوژی اسلامی از این نظر، راهی میان‌بر بود و از ظرفیت موجود در جامعه اسلامی و احساس بیگانه‌ستیزی آن تغذیه می‌کرد. در چنین بستری بود که افراطیت دینی زاده شد و با آن، مقوله جهاد که در گذشته مساله نسبتاً حاشیه‌ای بود، تبدیل شد به امر مرکزی در دین. استعمار فضای فکری در جوامع اسلامی را به‌شدت ایدئولوژیک ساخت و پس از رفتن آن، این فضا همچنان ادامه یافت و این بار، بیش از اجانب و متجاوزان، از خود فرزندان مسلمان قربانی گرفت. در مواجهه با پدیده استعمار بود که دارالعلوم دیوبند که بعدها به صدها مدرسه فرعی توسعه یافت، ایجاد شد. تأسیس مدرسه دیوبند واکنشی بود مقابل هژمون فکری و فرهنگی استعمار بریتانیا. دیوبند از این لحاظ، نقش پردامنه‌ای در شبه‌قاره هند بازی کرده و امروزه فارغان حقانیه آن یکی از دو رکن اصلی امارت اسلامی در افغانستان‌اند. ورود استعمار

به شبه‌قاره، افغانستان را نیز با این پدیده درگیر ساخت. کما این‌که انگلیس‌ها از همین مجرا در افغانستان دست‌درزای کردند و این کار، احساسات مردم افغانستان را در برابر آن‌ها برانگیخت. جنگ با انگلیس‌ها –به‌عنوان بزرگ‌ترین قدرت استعماری وقت– موجب شد آموزه جهاد در افغانستان بیش از پیش موضوعیت پیدا کند. «جهاد» ظرفیتی ایدئولوژیک بود که با تغذیه از اعتقادات مردم می‌توانست سد استعمار را درهم شکنند. از آن پس، عبدالرحمان‌خان آموزه «جهاد» را به اضافه «تکفیر» و «بعی» به‌عنوان استراتژی دولتی خویش قرار داد و از آن در جهت سرکوب اعتراض‌های داخلی سود برد. او که خود با حمایت انگلیس‌ها به قدرت رسیده بود، خودش را حامی جهاد و اسلام می‌خواند و هرازگاهی از این دو آموزه به‌عنوان ابزار توسعه حاکمیت خویش استفاده می‌کرد. عبدالرحمان‌خان هزاره‌ها را تکفیر کرد و با استثما عواطف دینی توده‌ها، مقاومت کافرستانی‌ها را درهم شکست و موانع را یکی پس از دیگری از سر راه خویش برداشت. هرچند برخورد عبدالرحمان‌خان با احکام و آموزه‌های اسلامی تکتیکی بود، اما این سنت همچنان ادامه یافت و اینک در سده بیست‌ویکم بار دیگر توسط طالبان به منصفه اجرا گذاشته شده است. میان طالبان و نبای راستین آن‌ها عبدالرحمان‌خان، شباهت‌هایی به نظر می‌رسد که به اختصار برمی‌شماریم:

۱)عبدالرحمان‌خان به رغم آن‌که به حمایت انگلیس به قدرت رسیده بود، با دیده‌درایی تمام خودش را مدافع مسلمان‌ها و مخالف کفار قلمداد می‌کرد. اینک برای کسی پوشیده نیست که طالبان نیز در توافقی نیمه‌سری با ایالات متحده امریکا بر اریکه قدرت تکیه زده‌اند و به رغم سیاست تضرع و استغاثه به امریکا، هنوز خود را پرچم‌بهدست دین و مبارز بلامنازع آزادی می‌دانند. کمک‌های مالی هفته‌وار امریکا به طالبان و حمایت دیپلماتیک محافظه‌کارانه امریکایی‌ها از طالبان نشانه‌هایی است دال بر این مدعا.

۲) عبدالرحمان‌خان هر اعتراضی در برابر خود را فرو می‌کوفت. یکی از عوامل پیروزی آن در سرکوب اعتراضات و قیام‌های مردمی، حمایت تسلیحاتی هند بریتانوی بود. سلاح‌های پیشرفته انگلیسی که از طریق هند به عبدالرحمان‌خان می‌رسید، از عوامل مهم موفقیت او در سرکوب معترضان و قیام‌کننده‌گان به حساب می‌آمد. امروزه طالبان نیز با تصاحب اسلحه و تجهیزات نزدیک به ۸۰ میلیارد دالر امریکایی، بر فرق اعتراضات مردمی می‌کوبند. شکی نیست که این کار به‌صورت عمدی و در توافقی پنهان با امریکا انجام می‌شود.

۳) انگلیس‌ها پس از جنگ اول با مردم افغانستان به این نتیجه رسیدند که حضور مستقیم نظامی آن‌ها در افغانستان پرهزینه است و از این رو، ترجیح دادند با ایجاد حکومت مورد حمایت خویش، افغانستان را از راه دور اداره کنند. همین اتفاق بار دیگر با امریکایی‌ها تکرار شد. ظاهراً امریکایی‌ها نیز مانند انگلیسی‌ها، کنترل افغانستان از راه دور را هم کم‌هزینه و هم موفقیت‌آمیز دانستند و توافق آن‌ها با طالبان به همین منظور انجام شد.

۴) امارت عبدالرحمان‌خانی در برابر قدرت‌های بزرگ

با کرنش و تواضع برخورد می‌کرد، در حالی که در برابر اعتراضات و قیام‌های داخلی شمشیر خون‌ریز در کف داشت و داستان کله‌منارهای آن در تاریخ ما بسیار عبرت‌انگیز است. همین استراتژی پس از نزدیک به یک‌ونیم قرن دوباره با طالبان تکرار می‌شود.

۵) اصولاً با عبدالرحمان‌خان بود که «اسلام»، «تکفیر» و «جهاد» به‌مثابه ابزار توسعه قدرت و حاکمیت سیاسی درآمد و اینک، این سناریو بار دیگر با طالبان تکرار می‌شود. گوش‌زد کردن این نکات به منظور آن است که راه حل مسایل افغانستان بدون آگاهی لازم تاریخی ممکن نیست. درک این نکته، ورود به قلمرو مطالعات تاریخی را برای آن‌هایی که می‌خواهند اکنون را در پرتو گذشته ارزیابی کنند، اجتناب‌ناپذیر می‌سازد.

پس از استعمار، تشکیل کشور اسراییل و صدور اعلامیه بالفور، رخدادی بود که مشاعر دینی در جهان عرب و جهان اسلامی را جریحه‌دار ساخت و حرکت‌های اسلامی هویت‌طلب از آن تغذیه کردند. تأثیر قضیه فلسطین در جهان عرب بسیار پر دامنه بود و این تأثیر با شکست اعراب در جنگ شش‌روزه در برابر اسراییل چندبرابر شد. از آن پس، سوال این بود که چه عواملی باعث شکست در برابر اسراییل شده است. برخی از خطیبان عرب به جای عنایت به عوامل اصلی، بی‌حجابی زنان عرب را موجب شکست تلقی می‌کردند. شکست در برابر اسراییل، اعتماد به نفس اعراب را فروریخت و تبدیل شد به نوعی یأس، حس انتقام و سرخورده‌گی. این وضع به خودی خود می‌توانست زمینه‌های عاطفی و روانی لازم را برای سربازگیری گروه‌های افراطی فراهم می‌آورد. قضیه فلسطین صرفاً به عرب‌ها محدود نماند و امروزه نابودی اسراییل یکی از بزرگ‌ترین اهداف جمهوری اسلامی ایران شناخته می‌شود. این رویداد به‌عنوان مساله دینی و تاریخی، به سایر حرکت‌های اسلامی نیز تسری یافت و در افغانستان نیز عمدتاً به میانجی رهبران نهضت اسلامی که درس‌خوانده ممالک عربی به‌ویژه مصر بودند، گسترش یافت. تأثیر این قضیه را بر فضای فکری مردم افغانستان می‌توان از دریچه واکنش مردم در برابر اقدام دونالد ترامپ مبنی بر اعلام قدس به‌عنوان پایتخت اسراییل، حدس زد.

سومین عامل افراطیت که در تداوم عوامل قبلی قرار می‌گیرد اما بیش از آن‌ها در رشد افراطیت در خاورمیانه و به‌ویژه افغانستان مؤثر بوده است، مساله جنگ سرد است. قدرت‌های بزرگ، به‌ویژه امریکا به منظور گرفتن انتقام جنگ ویتنام از شوروی، بیش از مردم افغانستان گروه‌های تندرو اسلامی را مورد حمایت مالی، نظامی و سیاسی قرار دادند. ایمن الظواهری که اخیراً در اثر حملات هوایی امریکا در کابل کشته شد، از چهره‌هایی بود که به جرم تندروی در مصر محبوس بود. وی با میانجی امریکا از زندان رها و به افغانستان گسیل شد تا در برابر تجاوز قشون سرخ، به جهاد بپردازد. وضعیت اسامه بن لادن و دیگران نیز به روزگار جنگ سرد پیوند می‌خورد. این امر، موجب شد که افراطیت بار دیگر از حاشیه به مرکز وارد شود و پس از سقوط شوروی، همچنان ادامه یابد. طالبان حقیقتاً از دل چنین بستری برخاسته‌اند.

روی این بیان، طالبان را بایستی در تداوم سه تحول بزرگ استعمار، قضیه فلسطین و جنگ سرد

ارزیابی کرد. کتاب «الإمارة الإسلامية و نظامها» نوشته عبدالحکیم حقانی که به‌تازه‌گی چاپ و نشر شده است، به‌خوبی از چارچوب فکری طالبان پرده برمی‌دارد. این کتاب چنان هم که برخی از جوانان کم‌مایه ما می‌پندارند، خام‌دستانه نیست. حقانی در این کتاب می‌خواهد چارچوب نظری نظام امارت را در پرتو تاریخ، سیرت نبوی و ادله شرع توضیح دهد. او نظام امارت را از خلفای راشدین تا امارت طالبانی پی می‌گیرد و ظاهراً می‌خواهد نشان دهد که امارت طالبان تداوم تاریخی امارت اسلامی است. انباشت دلایل و استنادات دینی او در این کتاب، چنان است که بسیاری از عالمان ما را یارای رویارویی با آن نیست. شاید از این‌جا است که طالبان در اقطاع و کسب حمایت قشر روحانی جامعه بیش از دیگران موفق‌تر بوده‌اند. این موفقیت با توجه به ساختار مشابه مدارس دینی به‌عنوان بنگاه‌های سنتی تکثیر تفکر دینی، غرابت چندانی ندارد.

حالا می‌رسیم به مساله اصلی و آن این‌که اسلام معتدل چیست؟ آیا اسلام تعدد می‌پذیرد؟ ویژه‌گی‌هایی که بتوان بر پایه آن اسلام معتدل را از اسلام لیبرال و افراطی متمایز ساخت، کدام‌ها‌یند؟ منابع تاریخی این نوع اسلام کدام‌ها‌یند؟ اعتدال را چگونه می‌توان سنجد؟ نسبت اسلام معتدل با مذاهب فقهی، کلامی و نهاد سیاست چگونه است؟ آیا اسلام معتدل مورد نظر، توانایی اقناع طرف‌های مختلف منازعه را دارد؟ پاسخگویی به سوالات پیش‌گفته، کار ساده‌ای نیست و بنابراین، اگر می‌خواهیم در تاریکی گام نزنیم و آینده را از همین اکنون ترسیم کنیم، پرداختن به نکات پیش‌گفته اجتناب‌ناپذیر است.

باری احمدشاه مسعود یکی از شاخص‌های اسلام معتدل را کارکرد صلح‌جویانه آن تعریف کرده و آن را اسلامی دانسته بود که با آن می‌توان هم با خود زنده‌گی کرد و هم با جهان. این شاخص به رغم ظرافت آن، کلی و ناکافی است. کما این‌که، برای ترسیم مرزهای اسلام معتدل صرفاً اشاره به ماهیت صلح‌جویانه آن نارسا است. نویسنده نیز بدین باور است که نه رویکرد اقلیت لیبرال در جامعه به‌شدت مذهبی افغانستان کارگشا است و نه هم روشی که تندروان مذهبی و از جمله طالبان در پیش گرفته‌اند. استراتژی آینده مقاومت بایستی چیزی در میان این دو، باشد. با وجود این، روایت اعتدالی از اسلام تصادفی شکل نمی‌گیرد، بلکه محتاج کار و پیکار فکری–فرهنگی در پرتو استراتژی دینی و فرهنگی است که متأسفانه هنوز خبری از آن در مقاومت دوم شنیده نمی‌شود.

از سال‌ها بدین‌سو، خوانش افراطی از دین در بسیاری از دهکده‌ها و حتا شهرهای افغانستان بازار پررونقی داشته است. کثیری از دین‌داران ما بی‌آن‌که بدانند، در جنب خوانش افراطی از دین ایستاده‌اند. رسوخ و نفوذ دین در مناسبات اجتماعی مردم افغانستان چنان است که هرگاه یک شهروند افغانستان در میان دو گزینه یا افراطیت یا بی‌دینی قرار گیرد، افراطیت را بر لادینی ترجیح خواهد داد. چند سال پیش، پژوهشی میدانی توسط شعبه دانشگاه آزاد اسلامی در کابل صورت گرفته بود و یکی از سوال‌ها از اشتراک‌کننده‌ها این بود که اگر در میان دو گزینه یا سکولاریسم یا افراطیت قرار بگیرند، کدام یک را برخواهند گزید. بیش از ۹۰ درصد اشتراک‌کننده‌گان، گزینه افراطیت را بر سکولاریسم –که ظاهراً آن را نماد بی‌دینی می‌دانستند– ترجیح داده بودند. روی این بیان، مدعای سکولاریسم بیش از افراطیت دینی فاقد پایگاه اجتماعی است. بنابراین، شرایط برای طرح روایت سوم در لحظه‌ای که مردم آرام‌آرام از افراطیت دینی لبریز می‌شوند، مساعد است. با وجود این، روایت سوم بایستی بخشی از استراتژی مقاومت دوم باشد و طرح این روایت –خواه مقاومت به پیروزی برسد یا نه– امری ضروری و حیاتی است.

**۵) فدرالیسم**

این روزها با اظهارات اخیر حنیف اتمر در مخالفت با نظام فدرالی، داعیه فدرالیسم‌خواهی بار دیگر نقل مجالس سیاسی و شبکه‌های اجتماعی شده است. شماری به آن نه‌تنها به‌عنوان راه حل سیاسی، بلکه راه‌حل بحران افغانستان می‌نگرند و عده‌ای نیز، ایده فدرالیسم را مرادف تجزیه‌طلبی و خیانت ملی تلقی می‌کنند. این‌که چه علت یا عللی موجب می‌شود فدرالیسم این‌همه کانون حب‌وبغض‌های فراوان واقع شود، نکته‌ای است که در این‌جا مجال آن نیست.

**ادامه در صفحه ۷**



# مسأله مقاومت دوم چیست؟

فدرالیسم اصولاً نظریه‌ای است معطوف به شکل دولت و مطلوب آن نیز تقسیم دولت به ایالت‌های مختلف با تفویض صلاحیت و اختیارات بیشتر است. در فدرالیسم معمولاً قدرت سیاسی به واحدهای کوچک‌تر تقسیم می‌شود و در آن، از تراکم قدرت در مرکز به مراتب مختلفی که در کشورهای مختلف متفاوت است، جلوگیری می‌شود. فدرالیسم عمدتاً از جانب برخی نخبه‌گان تاجیک و اقوام غیرپشتون مطرح می‌شود. اینان به فدرالیسم به‌عنوان مکانیسمی کارآمد در کاستن از میزان قدرت مرکزی می‌نگرند که در آن مشارکت سیاسی اقوام و مذاهب گوناگون و نیز امکان تبارز هویت‌های گروهی و قومی فراهم می‌آید. این در حالی است که اکثریت نخبه‌گان پشتون با جنبه‌داری از دولت مرکزی، فدرالیسم را مکانیسمی برای تهدید سلطه تاریخی خویش می‌نگرند و ظاهراً در این نکته با طالبان هم‌داستان‌اند.

حالا سوال این است که آیا فدرالیسم می‌تواند مسأله مقاومت باشد؟ به نظر می‌رسد فدرالیسم به دلایل مختلفی نمی‌تواند مسأله مقاومت دوم قرار گیرد؛ اولاً، هنوز متنی جدی تولید نشده و پژوهش لازم در باب فدرالیسم صورت نگرفته است. در افغانستان، فدرالیسم نیز مانند بسیاری از داعیه‌های دیگر، میان‌تهی و بی‌عقبه است. از این‌جا است که تا هنوز ماهیت فدرالیسم به‌درستی درک نشده و در باب شرایط و امکان آن نمی‌توان به‌ساده‌گی نظر داد. ثانیاً، فدرالیسم طرحی است معطوف به شکل دولت و از این رو، این نکته را که محتوای دولت چه باشد، مهم می‌گذارد. بنابراین، بسیار محتمل است که دولتی فدرال باشد، اما با سرشت توتالیتر و استبدادی. روی این بیان، فدرالیزه کردن دولت افغانستان لزوماً به آن ماهیت دموکراتیک نخواهد بخشید.



ثالثاً، اصلاح شکل یا ساختار دولت شاید بتواند به‌عنوان بخشی از راه‌حل سیاسی باشد، اما به هیچ‌وجه کل بحران را پوشش نخواهد داد. تأکید یک‌سره بر فدرالیزه کردن ساختار، نقش کارگزار را در توسعه سیاسی نادیده می‌گیرد. ساختار به تنهایی هیچ معجزه‌ای نمی‌آفریند، مگر این‌که کارگزاران آن به‌درستی عمل کنند. باری هربرت اسپنسر فرانسوی گفته بود که دموکراسی بهترین نظام دنیا است، اما این بهترین نظام به بهترین افرادی احتیاج دارد که در هیچ جای دنیا یافت نمی‌شود. این جمله را می‌توان در باب فدرالیسم نیز به کار بست. انصافاً نظام متمرکز جمهوری نیز اگر کارگزاران شایسته‌ای می‌داشت، ظرفیت‌های کمی برای توسعه نداشت. انتظار توسعه از تغییر ساختار صرف، مثل این است که کسی با تعدیل یا وضع قوانین جدید ترفیکی تصور کند که این قوانین به خودی خود نظم ترفیکی را اعاده خواهند کرد.

رابعاً، افغانستان کشوری است که از فروپاشی سه امپراتوری بزرگ عثمانی، صفوی و مغلی پدید آمده است. از این‌جا است که اقوام مختلف این کشور به جاهای دیگری تعلق دارند و این حس تعلق با فدرالیزه کردن کشور - اگر این مبنای فدرالیسم اقوام باشد - بیش از پیش نیرومند خواهد شد؛ وضعیتی که موجبات نفوذ کشورهای مختلف منطقه‌ای را فراهم خواهد آورد و اضافه بر آن، حتی ممکن است به تجزیه کشور بینجامد. نکته پنجم و فوق‌العاده پراهمیت این است که

بحران افغانستان صرفاً سیاسی نیست تا بتوان به آن نسخه‌های صرفاً سیاسی پیچید. لایه‌های بحران در کشور بسیار عمیق و گسترده است. بنابراین، برنامه‌های کوچک نمی‌تواند به بحرانی چنین گسترده پاسخ دهد و از این رو، اگر فرض را بر کارآمدی ساختار فدرال نیز بگذاریم، این ساختار صرفاً بخشی از بحران کشور را احتوا خواهد کرد.

روی این بیان، برای عبور از بحران، ابتدا درک بحران ضروری است. درک ناقص از بحران و یا گرفتن شبه‌مسأله‌ها به جای مسأله اصلی، موجب می‌شود یا نسخه غلط بپیچیم و یا هم نسخه‌ای ناقص، که با آن بخش بزرگی از بحران همچنان ادامه خواهد یافت.

## درک بحران

برای گذار از بحران - چنان‌که گفتیم - درک بحران ضروری است. اضافه بر آن، مکانیسم گذار از بحران و طرح وضعیت بدیل نیز قدمه‌های بعدی‌اند. به بیان دیگر، ابتدا مهم است بدانیم که درگیر بحرانیم و بحران را با تمامی ابعاد آن شناخته‌ایم (شناخت وضع موجود). در گام دوم، توضیح وضعیتی که می‌خواهیم بدان دست یابیم، بسیار پراهمیت است (وضع مطلوب). قدم سوم، مکانیسم یا نقشه راهی است که می‌کوشیم با آن از وضع موجود به وضع مطلوب عبور کنیم. اتفاقاً نه درک وضعیت موجود در فقدان تحقیق و تفکر ممکن است و نه هم تعریف وضع مطلوب و ترسیم نقشه راه آن در غیبت علم و اندیشه میسر می‌شود. از این‌جا است که به باور بنده، هر طرحی برای اصلاح یا عبور از بحران بایستی پژوهش‌بنیاد باشد و این خود، ملازم یک استراتژی فکری و فرهنگی است.

معمولاً کشورهای درگیر جنگ در چند صورت به امنیت و ثبات می‌رسند: اول، زمانی است که یکی از دو یا چند طرف منازعه بتواند با توسل به زور و خشونت رقبای نظامی خویش را از صحن معرکه خارج سازد و سپس، اختیار و حاکمیت مطلق کشور را تصاحب کند. سراسری شدن حاکمیت یک جناح، بالتبع به جنگ و منازعه خاتمه می‌دهد و راه را به روی امنیت و ثبات هموار می‌سازد. حاکمیتی که از طریق غلبه و استیلا بر مقدرات یک جامعه مسلط می‌شود، ماهیت مردمی ندارد. بسیاری از چنین حاکمیت‌ها عمل‌کردشان خودمحمور و خودکامه است و از این رو، خواست، اراده و رضایت مردم برای‌شان اهمیتی ندارد. با وجود این، غلبه بر حریف و تصاحب قدرت توانسته است در بسیاری از کشورهای خاورمیانه به ثبات و امنیت - هرچند ناعادلانه - بینجامد. نظریه تلب - که بنده نقد مفصلی بر آن نوشته‌ام - همواره یکی از دست‌مایه‌های حکام متغلب بوده است که با آن مشروعیت دینی خویش را تأمین می‌کرده‌اند. تاریخ افغانستان پر است از سلطه غالب بر سرنوشت کشور و نمونه مجسم آن را می‌توان در نزاع میان فرزندان تیمورشاه به‌درستی نشان داد.

دوم، دست‌یابی به صلح و ثبات زمانی است که طرف‌های منازعه نتوانند یک‌دیگر را کاملاً از صحنه نظامی بردارند و جنگ میان طرف‌های مختلف عملاً به بن‌بست برسد. البته محض بن‌بست جنگ برای جست‌وجوی راه‌حل‌های دیگر و از جمله راه‌حل سیاسی کفایت نمی‌کند. آن‌چه ممکن است بن‌بست را در جهت گفت‌وگو و مذاکره رهنمون شود، تداوم بن‌بست است. با این‌همه، ملتی که نمی‌اندیشد، وقتی با بن‌بست برخورد کند، به جای آن‌که به گشایش گره با مکانیسم‌های سیاسی و کم‌هزینه بپردازد، در بن‌بست می‌ماند و با آن دامنه جنگ و خشونت همچنان ادامه پیدا می‌کند.

سوم، حالتی است که اطراف جنگ و منازعه به حدی از رشد عقلاتی و خردمندی رسیده باشند که توسل به راهکارهای مسالمت‌آمیز و آشتی‌جویانه را بر جنگ و خشونت ترجیح دهند.

به یزدان که گر ما خرد داشتیم  
کجا این سرانجام بد داشتیم

(فردوسی)  
\*\*\*

در میان سه گزینه پیش‌گفته، به نظر می‌رسد طالبان هنوز معتقدند که به معضل افغانستان می‌توانند با توسل به جنگ، خشونت و سرکوب خاتمه دهند. واقعیت این است که طالبان از نظر نظامی در موقعیتی برتر قرار گرفته‌اند. ایدئولوژی جنگ‌طلب به اضافه تجهیزات جنگی پیشرفته و تجربه جنگی بیست‌ساله، سبب شده است که طالبان به استحکام فرمان‌روایی خویش از طریق جنگ اطمینان داشته باشند. از این‌جا است که تاکنون حضور مقاومت را انکار می‌کنند و با دیده‌درایی آن را چیزی در حد شایعات شبکه‌های اجتماعی تلقی می‌نمایند. عبور فکری طالبان از مرحله انکار به اعتراف به مقاومت دوم، مسبوک بر شکست آن‌ها در میدان‌های جنگ است و این کاری است که گرداننده‌گان نظامی مقاومت دوم متصدی آن‌اند.

القصد، نگرانی بنده نه از شکست نظامی در برابر طالبان است و نه هم از ازلی بودن دامنه حاکمیت طالبانی با سازوکارهای موجود. نگرانی من و بسیاری از هم‌نسلان من که شاهد و قربانی دست‌کم چند تحول نافرجام بوده‌اند، از چرخیدن دوباره در سایکل تاریخ است و این‌که بحران پس از شکست طالبان نیز ادامه یابد و ما به نقطه استقرار نرسیم.

کجا رویم که سرمنزلی به دست آریم  
چو خط دایره انجام ما هم آغاز است

(بیدل)  
\*\*\*

فراموش نکنیم که اصرار طالبان بر جنگ و غلبه، ریشه در ناخودآگاه تاریخی آن‌ها دارد. کما این‌که اگر ما نیز به جای نخبه‌گان پشتون می‌بودیم و به عیان می‌دیدیم که حاکمیت چندصدساله ما از جانب قوم یا گروهی به چالش کشیده می‌شود، واکنش نشان می‌دادیم. از نگاه واقع‌گرایانه، بسیار طبیعی است که طالبان بر حکومت مرکزی قدرتمند با محوریت خود تأکید می‌ورزند و به جای مذاکره و گفت‌وگو با معترضان و مخالفان مسلح، به خشونت و زور متوسل می‌شوند. در نگرش تاریخی بسیاری از نخبه‌گان پشتون، مقاومت دوم نظیر دولت اسلامی، مقاومت اول و حتی تشکیل نظام جمهوری اسلامی با حضور پررنگ اقوام غیرپشتون، نوعی انحراف تاریخ است که به جای مشروعیت دادن به آن، باید کجی آن را راست ساخت و دوباره به‌شکل طبیعی درآورد.

## مسأله مقاومت

باری به نظر می‌رسد استراتژی مقاومت دوم بایستی این باشد که طالبان را در عرصه نظامی به بن‌بست بکشاند و به لحاظ سیاسی و فرهنگی، نخبه‌گان اقوام و گروه‌های اجتماعی و سیاسی مختلف را به درک بن‌بست نظامی با بحران فرا بخواند. طرف‌های مختلف و از جمله طالبان بایست به این نتیجه برسند که معضل افغانستان را نمی‌توان از راه نظامی و با اتکا بر زور و خشونت حل کرد. اصرار بر حل نظامی قضیه، پیامدی جز به درازا کشیدن جنگ و حرکت در سایکل تاریخی بحران، ندارد. کما این‌که، روند تاریخ افغانستان با انقلاب ۷ ثور، پیوسته در دوگانه خلق و پرچم، جمعیت اسلامی و حزب اسلامی، امارت طالبان و مقاومت اول و امارت طالبان و مقاومت دوم سیر کرده است. گویی تاریخ افغانستان پس از به قدرت رسیدن احزاب چپی و سپس اسلامی، در دو قطب متعارض جریان یافته که عمدتاً نخبه‌گان پشتون و تاجیک در رأس این دو قطب متعارض و متخاصم قرار داشته‌اند. در این تنازع، نه بخت مطلقاً با قطب پشتون‌محور یار بوده است و نه هم تاجیک‌ها توانسته‌اند کاملاً بر فضا مسلط شوند. شکی نیست که در هر دو طرف این دو قطب، چهره‌هایی از قطب رقیب نیز وجود داشته است. با وجود این، مسأله بر سر محوریت قطب‌ها است و این‌که پیوسته محوریت دو قطب مخالف به دست چهره‌هایی از پشتون‌ها یا تاجیک‌ها قرار داشته است. بدیهی است که ثبات و

امنیت با تضادهای گروهی و نظامی تأمین نمی‌شود. زنده‌گی موضوع اضداد است، صلح این‌جا کجاست با نفس باقی است تا قطع نفس، پرخاش ما

(بیدل)  
\*\*\*

روی این بیان، تداوم بن‌بست طی سه یا چهار دهه پسین نشان می‌دهد که تاریخ افغانستان وارد مرحله تازه‌ای شده است. در این مرحله تاریخی، اتکا بر راهکارهای سنتی نظیر تدویر لویه‌جرگه، تصاحب قدرت از طریق غلبه، ایجاد دولت یک‌دست پشتون‌محور و غیره نه‌تنها راه‌حل نیست، بلکه برعکس بر میزان نارضایتی، اعتراض، جنگ و خشونت خواهد افزود. تجربه چند دهه اخیر افغانستان به‌وضوح نشان می‌دهد که راهکارهای سنتی نتوانسته‌اند به حل بحران پیش‌آمده یاری رسانند. یک مثال بسیاری ساده این مدعا، برگزاری جرگه عالمان دینی توسط طالبان است. این جرگه کمترین تأثیری بر مشروعیت‌بخشی به نظام امارت طالبان نداشت و حتا در سطح داخلی نیز، مقبولیت نظام حاکم را در پی نیاورد.

خلاصه، ما از یک‌سو با بحرانی مواجهیم که اینک در اثر تداوم تاریخی مزمن شده است و از سوی نیز، کارشویه‌های سنتی گذشته کارکردشان را در گشودن گره‌های بحران از دست داده است. در روزگاری که بسیاری از جوامع دور و نزدیک از زیست‌شیوه سنتی و قبیله‌ای به سود مردم‌سالاری، عدالت سیاسی و اجتماعی و فی‌الجمله راهکارهای معاصر عبور کرده‌اند، پافشاری یک‌سره بر شیوه‌های رایج و ناکام گذشته ناموجه است. امروزه بسیاری از چهره‌های سیاسی غیرپشتون به شمول برخی از نخبه‌گان بادرک پشتون بدین باورند که پشتونیزه کردن قدرت به رغم مصالحی که ممکن است به همراه داشته باشد، امری غیراخلاقی و ناعادلانه است. قدرت سیاسی را نمی‌توان به کسی صرفاً با این منطقی که از فلان قوم خاص است، دودستی تقدیم کرد. رفتار تاریخ‌نه‌تنها در افغانستان، بلکه در سطح جهانی نیز تقریباً عوض شده است. از این رو، وجدان نوعی ما اشرافیت قومی و درجه‌بندی اقوام و گروه‌ها را برنمی‌تابد و وجدان فردی نیز، بر نادرستی آن گواهی می‌دهد. امروزه هیچ‌کس نمی‌تواند به لحاظ اخلاقی به این چرایی که، چرا باید صرفاً یک پشتون حق ریاست داشته باشد، پاسخ دهد. همین مقدار، برای محکومیت اخلاقی گفتمان سیاسی قوم‌گرا کافی است. این گفتمان نه‌تنها فاقد توجیه اخلاقی است، بلکه کارکرد سیاسی خود را نیز از دست داده است. فی‌المثل، بسیاری از نخبه‌گان تاجیک حاضر نیستند زعامت یک پشتون را به حکم این‌که پشتون است، بپذیرند. همین نکته یکی از متغیرهای اصلی جنگ و بحران در افغانستان است.

حالا که چنین است، باید با نخبه‌های اقوام گوناگون سخن گفت و آن‌ها را به درک بحران و تغییر در رفتار تاریخ ملتفت ساخت. این کار ملازم تلاشی سیاسی، فرهنگی و علمی است و به نحو خودبه‌خودی یا تصادفی رخ نمی‌دهد. درست پس از درک تاریخی مسأله است که نوبت به رایبه راه‌حل می‌رسد و آن این‌که، چگونه می‌توان از بحران جاری موجود خلاصی یافت. در این مقام، مقاومت دوم می‌تواند همه‌گزینه‌ها را روی میز بگذارد: از تجزیه تا فدرالیسم، عدالت اجتماعی و غیره. با وجود این، مقاومت دوم بایستی با ارزیابی گزینه‌های مختلف، یکی را - که همان گزینه مورد نظر یا مسأله مقاومت است - مورد تأکید قرار دهد. گزینه مورد نظر باید به لحاظ اخلاقی بر گزینه‌های موازی برتری داشته باشد و از نظر سیاسی نیز بتواند در حد امکان منافع مشترک ایجاد کند، به نحوی که همه اقوام و گروه‌های اجتماعی دیگر، پیروی از آن را به مصلحت خویش تشخیص دهند.

پیچ‌وخم حوادث ما را نکرد بیدار  
با سنگ برنیامد پهلو به خواب خوردن  
بدمستی تعنم مغرور کرد ما را  
ای کاش سیخ می‌خورد حرص از کباب خوردن  
موقع شناس عصیان ذلت کش خطا نیست  
می حکم شیر دارد در ماهتاب خوردن  
(بیدل)

**Publisher:** Sanjar Sohail, Sanjar.sohail@8am.media  
**Editor-in-Chief:** Mohammad Moheq, Mohammad.moheq@8am.media

Facebook.com/8am.af  
Youtube.com/Hashtesubhdaily  
Twitter.com/@Hashtesubhdaily  
instagram.com/8am.af\_official  
www.8am.af

صاحب امتیاز: سنجر سهیل  
مدیرمسئول: محمد محق  
سردبیر: حبیب بهش  
تحلیل‌گران: یونس نگاه و امین کاوه  
دبیر گزارش‌ها: حسین حیدری  
دبیر بخش خبر: علی شاه حقم

Sanjar.sohail@8am.media  
Mohammad.moheq@8am.media  
Hasib.bahesh@8am.media

دبیر بخش ویدیو: نصیر کاوشگر  
خبرنگاران: محمدحسین نیک‌خواه، محمد فرهنگ  
ویراستاران: محمدعلی نظری، اسحق‌علی احساس  
صفحه آرایی: رضا مرادی  
پذیرش مقالات: Info@8am.media  
پذیرش اعلان: Shaparsepehr@gmail.com  
نشانی پستی: ۰۷۰۰۱۷۵۵۱۰ - ۰۲۵۰۰۲۵۰  
۸صبح نوشته‌ها را ویرایش می‌کند. سرمقاله بازتاب‌دهنده دیدگاه ۸صبح است. سایر دیدگاه‌های مطرح‌شده در مقاله‌ها، به نویسندگان آن برمی‌گردد.



دولت پاکستان تحقیقات در مورد حمله چند روز پیش به سفارت این کشور در کابل را پی گیری می کند. براساس گزارش ها، ممتاز زهرا بلوچ، سخنگوی وزارت خارجه پاکستان، روز دوشنبه، ۵ دسامبر، گفته است: «ما مطمئن هستیم که حمله به کاردار سفارت ما در کابل به طور کامل بررسی خواهد شد و عاملان و همدستان آن ها به دست عدالت سپرده خواهند شد.» زهرا بلوچ تاکید کرده است که پاکستان به مبارزه در برابر تروریسم متعهد است. گروه دولت اسلامی روز یکشنبه، ۴ دسامبر، مسوولیت حمله به سفارت پاکستان را بر عهده گرفت. ذبیح الله مجاهد، سخنگوی طالبان نیز گفته که عامل حمله به سفارت پاکستان در کابل عضو گروه داعش و شهروند یکی از کشورهای خارجی بوده است.

## پس از حمله روسیه به اوکراین فروش اسلحه در جهان افزایش یافته است

براساس یافته های این مرکز تحقیقی، ۱۰۰ شرکتی که در صدر فروشنده گان تسلیحات قرار دارند، در سال ۲۰۲۱ به ارزش ۵۹۲ میلیارد دلار تسلیحات و خدمات نظامی را به فروش رسانده اند. بر بنیاد این گزارش، به دلیل شیوع ویروس کرونا در سال ۲۰۲۱ و جنگ در اوکراین، روند معاملات تسلیحات و زنجیره عرضه آن پیچیده و با چالش هایی مواجه بوده است.

از سوی دیگر، گزارش می گوید که شرکت های امریکایی هنوز هم در بخش تولید تسلیحات بر جهان تسلط دارند و ۴۰ شرکت برتر فروش تسلیحات جهان در این کشور مستقرند.

بر اساس این گزارش، از جمله ۲۹۹ میلیارد دلار فروش تسلیحات در سراسر جهان، بیش از ۵۰ درصد آن از سوی شرکت های امریکایی فراهم شده است.

از سوی هم، فروش تسلیحات هشت شرکت بزرگ چینی در سال ۲۰۲۱ میلادی شاهد افزایش ۶.۳ درصدی بوده و در این سال به ارزش ۱۰۹ میلیارد دلار تسلیحات را به فروش رسانده اند.

شرکت های تولید سلاح اروپایی در رده بیست و هفتم فروش تسلیحات قرار گرفته و این شرکت ها در سال ۲۰۲۱ میلادی به ارزش ۱۲۳ میلیارد دلار سلاح فروخته اند.

یافته های انستیتوت بین المللی تحقیقات صلح استکهلم (SIPRI) نشان می دهد که پس از حمله روسیه به اوکراین، فروش تسلیحات در جهان افزایش یافته است. این انستیتوت روز دوشنبه، ۵ دسامبر، در گزارشی گفته است که تهاجم نظامی روسیه بر اوکراین، تقاضا برای تسلیحات در جهان را به طور فزاینده ای افزایش داده است.

از سوی دیگر، گزارش می گوید که شرکت های امریکایی هنوز هم در بخش تولید تسلیحات بر جهان تسلط دارند و ۴۰ شرکت برتر فروش تسلیحات جهان در این کشور مستقرند.

بر اساس این گزارش، از جمله ۲۹۹ میلیارد دلار فروش تسلیحات در سراسر جهان، بیش از ۵۰ درصد آن از سوی شرکت های امریکایی فراهم شده است.

از سوی هم، فروش تسلیحات هشت شرکت بزرگ چینی در سال ۲۰۲۱ میلادی شاهد افزایش ۶.۳ درصدی بوده و در این سال به ارزش ۱۰۹ میلیارد دلار تسلیحات را به فروش رسانده اند.

شرکت های تولید سلاح اروپایی در رده بیست و هفتم فروش تسلیحات قرار گرفته و این شرکت ها در سال ۲۰۲۱ میلادی به ارزش ۱۲۳ میلیارد دلار سلاح فروخته اند.



## کوریای شمالی بیش از ۱۰۰ گلوله توپ به سمت مرزهای کوریای جنوبی شلیک کرد

بر بنیاد گزارش ها، کوریای شمالی در تازه ترین مانور نظامی خود حدود ۱۳۰ گلوله توپ را به سمت آب های سواحل شرقی و غربی در مرز مشترک با کوریای جنوبی شلیک کرد.

رسانه های بین المللی روز دوشنبه، ۵ دسامبر، گزارش داده اند که برخی از این گلوله ها در منطقه حایل در نزدیکی مرز دریایی دو کشور فرود آمدند که نقض توافق تنش زدایی میان دو کوریا در سال ۲۰۱۸ محسوب می شود.

وزارت دفاع کوریای جنوبی در بیانیه ای اعلام کرده که ارتش این کشور تاکنون چندین پیام هشدار به کوریای شمالی ارسال کرده است.

کوریای شمالی در مورد این شلیک های توپخانه ای هنوز اظهار نظر نکرده است.

این در حالی است که کوریای جنوبی و ایالات متحده امریکا نیز در سال جاری میلادی بر شمار مانورهای نظامی خود افزوده اند و این رزمایش ها را برای حفظ قدرت بازدارنده گی در برابر کوریای شمالی امری ضروری دانسته اند.

## اختطاف ۱۹ نمازگزار از مسجدی در نایجریا

پولیس نایجریا اعلام کرده است که افراد مسلح پس از حمله بر یک مسجد در شمال غرب این کشور، ۱۹ نمازگزار را اختطاف کرده اند.

گامبو عیسا، سخنگوی پولیس محلی، گفته است که مهاجمان مسلح روز گذشته، ۴ دسامبر، هنگام نماز عصر در قریه مایگامجی واقع در ایالت کاتسینا بر یک مسجد گلوله باری کردند.

به گفته او، در این رویداد امام مسجد و یک تن دیگر زخمی شدند و مهاجمان ۱۹ نمازگزار را با خود بردند که شش تن آنان موفق به فرار شده اند.

مناطق مرکزی و شمال غربی نایجریا همواره شاهد ترور و وحشت باندهای جنایت کار محلی بوده است.

ماه گذشته نیز ۱۵ تن در ایالت کادونا، همسایه ایالت کاتسینا، در حمله مهاجمان مسلح کشته شدند. باندهای تبه کار در نایجریا علاوه بر اختطاف افراد به منظور باج گیری، ربه های مردم را می دزدند، اموال آنان را غارت می کنند و خانه های آنان را آتش می زنند.

## تی تی پی:

## حمله هواپیماهای بدون سرنشین به کابل مانع مذاکرات صلح با دولت پاکستان شد



بر اساس گزارش ها، نورولی محسود، رهبر طالبان پاکستان (تی تی پی) گفته که حمله هواپیماهای بدون سرنشین در کابل، بزرگ ترین مانع در ادامه روند مذاکرات صلح این گروه با دولت پاکستان بوده است.

بر اساس گزارش رسانه های پاکستانی، نورولی محسود روز دوشنبه، ۵ دسامبر، گفته است که حمله هواپیماهای بدون سرنشین به کابل، همراه با آشفته گی سیاسی داخلی در پاکستان، دلیل اصلی عدم ادامه روند مذاکرات صلح با دولت پاکستان بوده است.

رهبر طالبان پاکستان افزوده که این گروه با طالبان افغانستان رابطه حسنه دارد و ادامه داده است: «مارت اسلامی برای این که با دولت پاکستان وارد مذاکره شویم، هرگز ما را تحت فشار قرار نداده است.»

این در حالی است که طالبان پاکستان (تی تی پی) به تاریخ ۲۸ نوامبر، آتش بس متزلزل با دولت پاکستان را که نزدیک به پنج ماه پیش با میانجی گیری طالبان افغانستان برقرار شده بود، لغو کرد.

## دیده بان حقوق بشر از حمله هکرهای دولت ایران به کارکنانش خبر داد

به گفته دیده بان حقوق بشر، ایمیل ها، درایوهای ذخیره سازی ابری، مخاطبان و سایر اطلاعات حساس حداقل سه نفر از این ۱۸ تن به خطر افتاده است.

ابیر غطاس، مدیر امنیت اطلاعات در دیده بان حقوق بشر، گفته است: «هکرهای تحت حمایت ایران به شدت از مهندسی اجتماعی پیچیده و تاکتیک های جمع آوری اعتبار برای دسترسی به اطلاعات حساس و تماس های پژوهشگران متمرکز بر خاور میانه و گروه های جامعه مدنی استفاده می کنند.»

این گزارش در حالی نشر شده است که گروه های هکری مورد حمایت دولت ایران بارها حملات سایبری را بر بخش های زیربنایی دولت ها نیز انجام داده اند.

دیده بان حقوق بشر در گزارشی گفته است که هکرهای مورد حمایت دولت ایران دو تن از کارکنانش و دست کم ۱۸ فعال برجسته دیگر از جمله روزنامه نگاران، پژوهشگران، دیپلمات ها و سیاستمدارانی را که بر روی مسائل خاور میانه کار می کنند، هدف حملات سایبری قرار داده اند.

این سازمان روز دوشنبه، ۵ دسامبر، از حمله گروه هکری مربوط به دولت ایران به نام APT42 یا بچه گربه جذاب» به این افراد گزارش داده است.

بر اساس تجزیه و تحلیل فنی که به طور مشترک توسط دیده بان حقوق بشر و آزمایشگاه امنیتی عفو بین الملل انجام شده است، ۱۸ قربانی دیگر نیز شناسایی شده اند.



## ترکیه: ۱۳ میلیون تن غلات از اوکراین به بازارهای جهانی منتقل شده است

وزارت دفاع ترکیه اعلام کرده که در چارچوب توافقنامه کریدور غلات، تا کنون بیش از ۱۳ میلیون تن محموله از اوکراین به بازارهای جهانی منتقل شده است.

خبرگزاری آناتولی روز دوشنبه، ۵ دسامبر، به نقل از وزارت دفاع ترکیه گزارش داده است که از بنادر اوکراین از اول ماه آگست تا کنون، بیش از ۱۳ میلیون تن غلات شامل گندم، بذر آفتاب گردان، روغن آفتاب گردان، سویا، نخود و جو منتقل شده است.

در این بیانیه تأکید شده است که انتقال غلات از اوکراین در چارچوب توافقنامه کریدور غلات همچنان ادامه دارد. گفتنی است که روسیه و اوکراین با میانجی گیری ترکیه و سازمان ملل متحد به تاریخ ۲۲ جولای سال روان میلادی در استانبول سند «انتقال امن غلات و مواد غذایی از بنادر اوکراین» را امضا کردند.

